

در پی آزادی ۲ تن از قاتلین دکتر کاظم رجوی موج خشم و اعتراض علیه دولت فرانسه بالا گرفت

دو ایرانی را که به اتهام شرکت در قتل دکتر کاظم رجوی مبارز آزادیخواه، مدافع حقوق بشر و نماینده شورای مقاومت ملی در بازداشت پلیس پاریس بسر می بردند، روز چهارشنبه ۲۸ دی (۲۹ دسامبر) بی سروصد از سوی دولت فرانسه آزاد و به ایران فرستاده شدند.

این دونفر که احمد طاهری و محسن شریف اصفهانی نام دارند، در پی ترور کاظم رجوی در سوئیس (در سال ۱۹۹۰) از سوی پلیس بین المللی تحت پیگرد قرار گرفته و در نوامبر ۱۹۹۲ از سوی پلیس فرانسه شناسایی و بازداشت شدند. دادگستری سوئیس بلافاصله تقاضای استرداد آنها را تسلیم فرانسه کرد، که مقامات قضایی پاریس در فوریه ۹۳ با آن موافقت کردند. اما دولت فرانسه در تحویل

دو متهم فوق تعلل ورزید و سرانجام آنها را تحت عنوان "مصلح ملی فرانسه" آزاد و روانه ایران کرد. این اقدام خشم و حیرت دولت سوئیس و محافل مختلف سیاسی فرانسه را برانگیخت و نشریات و رسانه های گروهی غرب پیرامون آن اخبار و تفسیرهای متعددی بخش نمودند. وزارت خارجه آمریکا نیز با انتشار بیانیه ای به این اقدام دولت فرانسه اعتراض کرد. درباره اینکه کدام "مصلح ملی" دولت فرانسه را به انجام چنین اقدام توضیح ناپذیری ترغیب کرده، در میان ناظران سیاسی حدس و گمان های متفاوتی وجود دارد.

زمانی که جمهوری اسلامی ایران چند روز پس از بمب گذاری در سفارت فرانسه و نمایندگی ایرانس در تهران، مسئولیت آن را از

ادامه در صفحه ۲

دراوج بحران و هرج و مرج در اقتصاد کشور بودجه سال آینده و برنامه دوم به مجلس رفت

● ناطق نوری: در شرایط بحرانی نمی توان برنامه دوم را بررسی کرد
● کاهش شدید ارزش ریال باعث افزایش سرسام آور قیمت کالاها در سطح خرده فروشی شده است

هاشمی رفسنجانی بودجه سال ۷۳ و همراه آن "برنامه ۵ ساله دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی" کشور را به مجلس برد، این در حالی است که بدلیل شدت بحران، وضع

اقتصاد کشور به اعتراف روزنامه های وابسته به حکومت روز بروز به کام هرج و مرج می رود و کنترل آن از دست دولت خارج شده است. سقوط ارزش ریال که بازتاب

ادامه در صفحه ۵



تبلیغ پژو، در شهری که در دیوارهای فرسوده اند و مردمش بر اثر فقر و نداری کمر خم کرده اند؛ نمای روشنی از کارکرد اقتصادی - اجتماعی دولت پس از آن همه تبلیغات کرکننده

محکومیت جمهوری اسلامی
در مجمع عمومی سازمان ملل
به خاطر نقض حقوق بشر
در صفحه ۳

ترکیه پناهندگان ایرانی را تحویل جمهوری اسلامی داد
دوروزنامه چپ گرای ترکیه از تحویل ۴ اقدایی خلق به ایران خبر دادند
در صفحه ۳

آیا کانون نویسندگان ایران فعالیت خود را از سر می گیرد؟
در صفحه ۶

برای ادای توضیحات درباره ترور برلین اشمید با و ترقار است در دادگاه حاضر شود مهدی ابراهیم زاده: این ترور جنایات مسلم رژیم اسلامی است

دادگاه محاکمه متهمین به ترور دکتر شرفکنندی و یارانش در هفته نخست ژانویه ادامه یافت. در جلسات هفته اول زانویه آقای پرویز دستمالچی و رفیق مهدی ابراهیم زاده بعنوان شاهدان عینی حادثه به ادای توضیحات پرداختند.

رفیق ابراهیم زاده عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در مورد دعوت به جلسه میگویند و عدم تمایل اولیه برای شرکت در آن گفت: بخاطر دیدار رهبری سازمان بایهت نمایندگی حزب دمکرات کردستان به سرپرستی دکتر شرفکنندی (که یک هفته پیش از ترور صورت گرفت) ابتدا نا ضرورتی برای حضور در جلسه نمی دیده است، اما بخاطر احترام به شهید نوری دهکردی یعنی مبتکر رفیق ابراهیم زاده سپس در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه مبنی بر جگونگی وقوع حادثه به تشریح

ادامه در صفحه ۳

رژیم در دانشگاهها بدنبال چیست؟

روزنامه های داخلی کشور می نویسند که جو سیاسی حاکم بر دانشگاهها در حال حاضر دچار نوعی سکون و خمودی است و دانشجویان در سطوح مختلف بدون انگیزه و عاری از قدرت اظهار نظر و تحلیل منطقی جریانات سیاسی و رخداد های جهانی بی تفاوتی از کنار مسائل می گذرند. خامنه ای هم اخیراً در جمع دانشجویان از وضعیت فعلی دانشگاهها گلّه کرد و گفت: "دانشجویان امروز با سیاست فاصله دارند و دستهای در تالشند تا این قشر عظیم جامعه را از گرایش به مسائل سیاسی بر حذر داشته و محیط دانشگاه را با سیاست بیگانه کنند."

رهبر نظام ولایت فقیه مسببین وضع موجود را معرفی نکرد ولی

ادامه در صفحه ۴

دو جاسوس دیگر رژیم در سوئد دستگیر شدند

دو روز بعد از ابلغ حکم اخراج فوری سه تن دیپلمات - جاسوس های جمهوری اسلامی از سوئد، در روز چهارشنبه ۱۷ نوامبر، ۲ تن دیگر از جاسوسان رژیم که از پوشش دیپلماتیک برخوردار نبودند، توسط پلیس سوئد بازداشت شدند. این دو تن جمشید عابدی لاهردی و سیمین قبادی نام دارند. دادگاه جمشید عابدی لاهردی در ۲۸ دسامبر خاتمه یافت. وی به جرم فعالیت جاسوسی علیه پناهندگان ایرانی به یکسال و نیم زندان محکوم شد. عابدی که در سازمان مجاهدین نفوذ کرده بود، از فعالیتهای این سازمان عکس، فیلم ویدئویی و اطلاعات دیگر تهیه کرده

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
تروریسم رژیم جمهوری اسلامی
قربانی دیگری گرفت
صفحه ۲

جهان
در سال ۱۹۹۳
در صفحه ۱۰

نامه های اعتراضی شورای مرکزی سازمان به مقامات فرانسه در ارتباط با آزادی ۲ تروریست
در صفحه ۲

یادداشت

محکومیت "خودپها"

مهندس عبدی عضو شورای سردبیری روزنامه سلام به یکسال زندان و جهل ضربه شلاق محکوم شد. دادگاه انقلاب اسلامی تهران پس از چهار جلسه و بعد از یک هفته شور، سرانجام رای محکومیت عبدی را صادر کرد. حکم دادگاه در مورد زندان قطعی است ولی در مورد مجازات شلاق اجرای حکم به حال تعلیق است.

خبر محکومیت عبدی در اختیار رسانه های گروهی قرار گرفت و تنها از طرف دادگاه انقلاب اسلامی تلفنی به همسروی اطلاع داده شد. فرد اطلاع دهنده در مقابل این سؤال همسر عبدی که این حکم به استناد کدام ماده از قوانین کیفری است و کدامیک از اتهامات وارده دادگاه جرم تشخیص داده است، اظهار بی اطلاعی نمود. عبدی در شهریورماه گذشته در حالیکه با همسر و فرزندانش در یکی از خیابانهای تهران در حال تردید بود، دستگیر گردید و پس از گذشت ۴ ماه بازداشت که در سلول انفرادی به سر می برد، از طرف دادگاه محکوم شد.

حکم دادگاه انقلاب صرف نظر از دیدگاهها و گرایش های سیاسی عبدی، از جانب نیروهای آزاد یخواه در داخل و خارج از کشور محکوم گردید. بازداشت و محکومیت عبدی از جوانب مختلف درخور تامل است. هم بجهت برخورد رژیم با افکار عمومی و مردم و هم بلحاظ برخورد با عناصر معتقد به نظام اسلامی ولی منتقد جناح حاکم. دستگیری عبدی از طریق روزنامه سلام، رادپوهاهای فارسی زبان، سازمانهای دفاع از حقوق بشر و آزادی مطبوعات و نشریات اپوزیسیون در داخل کشور و در میان ایرانیان خارج از کشور وسیعاً منعکس شد. نیروهای اپوزیسیون کشور و برخی از سازمانهای بین المللی منجمله "کمیته روزنامه نگاران بی مرز" این دستگیری را محکوم کرده و خواستار آزادی وی شدند. خوانندگان روزنامه سلام از طریق این روزنامه خواستار روشن شدن علت دستگیری وی شدند. اما گردانندگان حکومت بی اعتنا به این خواستها و اعتراضات، نه تنها علت دستگیری عبدی را اعلام نکردند، بلکه او را ماهها در زندان انفرادی بدون هیچگونه تماس ننگه داشتند و سرانجام در دادگاه سر بسته محکوم نمودند. بعد از محکومیت نیز حاضر نشدند به مردم اعلام کنند که به چه جرمی عضو شورای سردبیری یک روزنامه را دستگیر و با استناد به کدام قانون او را محکوم نمودند. این امر نشانه بارز بی اعتنائی سران حکومت اسلامی به افکار عمومی و سمبل برخورد زورگویانه است. با وجود فشارهای بین المللی و محکومیت رژیم اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بخاطر نقض حقوق بشر، سرکردگان حکومت هم چنان بطور آشکار ابتدا بی ترین حقوق انسانی را حتی در مورد عناصر وفادار به نظام اسلامی زیر پا می گذارند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت تروریسم رژیم باردیگر قربانی گرفت

جوخه های ترور رژیم اسلامی جنایت دیگری آفریدند. بنا به گزارشهای رسیده طاهو کومانچ عضو رهبری حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) روز سه شنبه هفته گذشته در شهر چروم ترکیه بدست باندهای ترور هدایت شده از تهران به قتل رسید. این جنایت درست چند روزی پس از آن اتفاق افتاد که دولت فرانسه در اقدامی ناشایست، امکان فرار و تن آذین دکتور کاظم رجوی را از چنگ قانون و عدالت فراهم آورد. آیا این اقدام دولت فرانسه و کمی قبل تر از آن، عمل دولت آلمان در پذیرایی از وزیر اطلاعات و امنیت رژیم اسلامی و کوششی که برای مسکوت گذاشتن فاجعه برلین به عمل آمد و هم چنین توافقات امنیتی اخیر ترکیه با جمهوری اسلامی، مشوق ترور هفته گذشته در ترکیه نبود؟ این ترور دلیل روشن دیگری است بر اینکه تا وقتی که اصول حقوق بشر لنگد مال زد و بیند های سیاسی و ولت های اروپایی با رژیم جمهوری اسلامی است، تروریسم رژیم اسلامی در ایران همچنان قربانی خواهد گرفت.

ما از همه آزاد یخواهان و پیشروستان، مجامع بین المللی و سازمانهای مدافع حقوق بشر می خواهیم نسبت به جنایات رژیم اسلامی در حق مخالفان خود اعتراض نمایند و دولتمردان کشورهای اروپایی را از معامله بر سر اصول انسانی بر حذر دارند. راه مهار کشتار بی مهابای مخالفان توسط گروههای تروریسم اسلامی اعمال فشار همگانی به رژیم تهران برای قطع این ترورها و سپردن عوامل شبکه های ترور این رژیم بدست قانون و عدالت است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۸ ماه ۱۳۷۲ - ژانویه ۱۹۹۴

موج خشم و اعتراض علیه دولت فرانسه بالا گرفت

ادامه از صفحه ۱

دوش فرزندان امام برداشت و به دوش مجاهدین گذاشت این حدس بدید آمد که نکند توطئه ای کثیف در پشت پرده در شرف انجام است. سفرولان دوم به تهران که بی مقدمه و بدون هرگونه هدف اعلام شده صورت گرفت، این فکر را تقویت کرد. روابط تهران - پاریس ظرف ماههای اخیر بخاطر حضور مریم رجوی و ۲۰۰ تن دیگر از مجاهدین در فرانسه متشنج بود و جمهوری اسلامی می کوشید هم از طریق اقدامات تروریستی علیه

منافع فرانسه و هم با تهدید به لغو قرارداد های تجاری و اقتصادی، دولت پاریس را زیر فشار گذارد. از نظر برخی ناظران تحویل احمد طاهری و شریف اصفهانی به تهران اقدامی است که دولت فرانسه در جهت باز داشتن رهبران تهران از اقدامات تروریستی و ایجاد تعادل مجدد در روابط دو کشور انجام داده است. از سوی دیگر با توجه به تلاش های جدید زمامداران الجزایر برای خروج کشور از بحران و با توجه به اهمیتی که فرانسه بخاطر مصالح سیاسی و اقتصادی خود برای شریف زاده و وابست پازدن به اخلاق عمومی و اهانتی به قربانیان و حکومت قانون خوانند.

دو اتحادیه حقوق دانان و قضات فرانسه آزادی طاهری و شریف زاده و وابست پازدن به اخلاق عمومی و اهانتی به قربانیان و حکومت قانون خوانند.

همگان راه اقدام مشترک فرامی خوانیم

۱۰ روز پیش از آزادی متهمان فوق، مقامات قضایی فرانسه دو ایرانی به اسامی مجتبی مشهدی و حسین یزدان ستار به اتهام قتل دکتر الهی در سال ۱۹۹۰، بازداشت نمودند. دادگاه متهمان به قتل دکتر ستار بهیچ وجه نپذیرفتند که در ماههای آتی آغاز شود. اما با اقدام اخیر دولت فرانسه این نگرانی مطرح است که مبادا دولت پاریس به خواست جمهوری اسلامی در مورد الغداد گاه متهمان به قتل دکتر بختیار و یاد دست کم جلوگیری از تبدیل آن به دادگاه محاکمه ای حکومت جمهوری اسلامی تن دهد. واقعه اخیر نشان داد که بدون دست زدن به یک بسیج همگانی، که طبعاً باید اپوزیسیون ایرانی در تبعید سازمانگران گردد، این خطر فوق العاده جدی این که دولت دست راستی فرانسه با عوامل ترور دکتور بختیار و کتر الهی نیز همان کند که با این دو کرد.

این واقعه ضرورت یک اقدام فوری دسته جمعی از جانب همه نیروهای اپوزیسیون جهت برپا کردن کارزار همگانی برای از بین بردن هر گونه توطئه و زد و بند پنهانی برای تبدیل دادگاه قاتلان به دادگاه محاکمه حکومت تروریست پرور حاکم تهران را هر چه برجسته تر کرده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده است که در هر گونه اقدامی در این راستا مشارکت و از آن با تمام نیرو پشتیبانی می کند.

دو جاسوس دیگر رژیم در سوئد دستگیر شدند

ادامه از صفحه ۱
برخی از سیاستمداران سوئدی نیز خواهان کاهش سطح روابط سیاسی دولت سوئد با جمهوری اسلامی شده اند. فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد، با انتشار اطلاعیه ای نسبت به فعالیتهای تروریستی جمهوری اسلامی هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است:

ما ضمن حمایت از اقدام دولت سوئد در اخراج کارداران جاسوس جمهوری اسلامی، ناپیگیری و عدم تمایل دولت سوئد را در افشای تمام حقیقت محکوم کرده و خواهان آنیم که دولت سوئد برده از تمامی مسائل مربوط به جاسوسی رژیم برداشته و از آنجا که این موارد بستگی مستقیم با جان بسیاری از انسانها دارد، آنها را به اطلاع شان برساند.

نامه اعتراضی

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نخست وزیر فرانسه

عالی جناب نخست وزیر فرانسه

با ناپاوری تمام اطلاع یافتیم که دولت شما دتن از متهمین به شرکت در قتل دکتور کاظم رجوی مبارز حقوق بشر و مخالف رژیم جمهوری اسلامی را آزاد نموده است. این اقدام شما در حالی صورت گرفته که دولت سوئیس مدارک کافی دال بر مشارکت دو متهم آزاد شده در ترور آقای رجوی در اختیار شما قرار داده بود، اما دولت تحت ریاست شما به جای سپردن مجرمین به چنگ عدالت، آنها را تحویل رژیم اسلامی در ایران داده است.

آقای نخست وزیر! ما به عنوان مسئولین سازمانی که تروریسم رژیم حاکم بر ایران صدها قربانی از آن گرفته، نسبت به این عمل شما شدیداً اعتراض داریم و کاملاً توجیه ناپذیر و بیبها نه "مصالح ملی" که شما تحت این عنوان تروریست ها را رها ساخته اید، بی معنای دانیم. به اعتقاد ما این اقدام شما به اعتبار فرانسه که در دفاع از حقوق بشر و شعائر انسانی معروف است لطمه زده است. مطمئن باشید با چ دهی به تروریست های رژیم اسلامی جز تشویق آنها به ادامه کشتارها بشان و جز سلب اعتماد عمومی از دولت فرانسه هیچ حاصل دیگری نخواهد داشت.

با احترام
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوم ژانویه ۱۹۹۴

نامه

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به رئیس پارلمان اروپا

ریاست محترم پارلمان اروپا

عالی جناب!

ما، با یسگفتی تمام، مطلع شدیم که دولت فرانسه قاتلین دکتور کاظم رجوی، مبارز سرشناس حقوق بشر و مخالف رژیم ایران را خود سرانه از بازداشت رها کرده و شرایط بازگشت آنها به تهران را فراهم آورده است.

این اقدام در شرایطی صورت گرفته است که دولت سوئیس رسماً استرداد مجرمین را از دولت فرانسه درخواست کرده و ضرورت این استرداد به تأیید دولت فرانسه نیز رسیده بود. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز تاسف عمیق نسبت به اقدام غیر قابل توجیه دولت فرانسه، از شما انتظار دارد که این مساله را در دستور اجلاس رسمی پارلمان اروپا قرار دهید تا دولت فرانسه در برابر آن پارلمان محترم و اداره به پاسخگویی شود.

چنانچه اروپا به اعتراض برنخیزد چگونه می توان انتظار داشت که دولت ها اصول انسانی را به پای "منافع قدرت" و به نام "مصالح ملی" قربانی نکنند؟ چگونه می توان نگران نبود که قاتلین دکتور شاپور بختیار که در فرانسه در بازداشت هستند نیز فردا در یک بازی سیاسی دیگر از چنگ عدالت نگریزند؟

آقای رئیس! به عنوان مسئولین سازمانی که صدها نفر از اعضای آن قربانی تروریسم حاکم بر ایران شده و جان خود را در راه دموکراسی برای ایران از دست داده اند، به عنوان مسئولین سازمانی که هزاران نفر از فعالین آن بدلیل پیگرد رژیم استبدادی حاکم بر ایران از میهن خود آواره شده و در اقصی نقاط اروپا پناه گرفته اند، به عنوان مسئولین سازمانی که رهبران و فعالین آن در خارج از ایران نیز هرگز خطر ترور و سرکوب جمهوری اسلامی را از خود دور ندیده اند، باردیگر مصرانه از شما درخواست کنیم با فراخواندن مسئولین دولت فرانسه به پاسخگویی در برابر پارلمان اروپا و محکوم کردن عمل زشتی که رخ داده است، مانع از آن شوید که شان انسانی و اصول حقوق بشر پهای منافع قدرت قربانی شوند.

با احترام
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوم ژانویه ۱۹۹۴

از طرف شورای مرکزی سازمان نامه ای جداگانه ای نیز به فرانسا میتران رئیس جمهور فرانسه ارسال شد که در آن از رئیس جمهور میتران خواسته شده عاملین عمل ناشایست آزاد کردن و تروریست متهم از طرف دولت فرانسه را مورد نکوهش قرار دهد و شرایطی فراهم آورد که از تکرار این فجایع جلوگیری گردد.

تسخنه ای از نامه های فوق به روزنامه های فرانسیسی لوموند، اومانیت، لیبراسیون و فیگارو ارسال گردید.
همچنین از طرف شعبه روابط بین الملل شورای مرکزی سازمان نامه ای خطاب به سازمان عقوبین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال گردید. در این نامه از این نهادها خواسته شده است، نسبت به اقدام دولت فرانسه در فراری دادن تروریست های رژیم اسلامی از چنگ عدالت اعتراض نمایند.

در پی توافقات اخیر میان تهران و آنکارا

ترکیه پناهندگان ایرانی را تحویل جمهوری اسلامی داد

دوروزنامه چپ گرای ترکیه از تحویل ۴۰۰۰ نفر ایرانی به ایران خبر دادند

سفر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهوری اسلامی به ترکیه که در اوایل ماه گذشته صورت گرفت، نخستین نتایج خود را نشان داد. دولت ترکیه بر مبنای توافق های خود با رژیم جمهوری اسلامی میزان اخراج پناهندگان ایرانی از آن کشور را بشدت افزایش داده است. مقامات ترکیه در هفته های اخیر از دهها پناهنده ایرانی خواسته اند که خاک این کشور را ترک کنند و تعدادی از آنها را مستقیماً به مسئولان امنیتی رژیم تحویل داده اند.

روزنامه ای کیهان هوایی از قول روزنامه های چپ گرای آیدین لیک و گوندوم چاپ استانبول که مواضعی مخالف دولت ترکیه دارند خبر داد که چهار تن از فدائیان خلق به نامهای "حسن احمدی ازتوانی، فرهاد جایگاتی، حسن و حجاج مهران" که در کمپ "نیفده" در ترکیه اقامت داشتند به ایران تحویل داده شده اند.

همچنین گفته می شود که شخصی بنام سلطانی از اعضای سپاه پاسداران اخیراً به همراه چند تن از همدستانش به محل اجتماع ایرانیان در ساختمان سازمان ملل

متحد در ترکیه می رود و ایرانیان پناهجو را شناسایی می کند. وزیر کشور ترکیه نیز در مصاحبه با کیهان گفته است: پس از شناسایی اعضای سازمان مجاهدین این عده بزودی از ترکیه اخراج خواهند شد. خبرگزاریها همچنین از تحویل ۲۸ تن از اعضای حزب کارگران کرد ترکیه (PKK) از سوی جمهوری اسلامی به حکومت ترکیه خبر داده اند. این اقدامات همه به دنبال سفر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور رژیم که در اوایل ماه گذشته به دعوت خانم تانسو چیلر نخست وزیر ترکیه صورت پذیرفت، انجام شده است.

پیگیری توافق های امنیتی قبلی که با تشکیل یک کمیته ای همکاری امنیتی مشترک ابعاد وسیعتری پیدا کرده است و رسیدن به توافق های جدید مهمترین هدف سفر حبیبی به ترکیه بود. در آستانه این سفر سفیر ترکیه در تهران روند همکاری سیاسی و امنیتی بین تهران و آنکارا مطلوب خواند و گفت که معاون رئیس جمهور ایران در جو بسیار مساعدی از ترکیه بازدید می کند و او اظهار داشت که کمیته همکاری امنیتی ایران و ترکیه در یکسال گذشته ۷ بار تشکیل جلسه داده است و توافق هایی صورت

واشنگتن تایمز:

جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیر است

خود به آنها استناد جسته است. مخالفت جمهوری اسلامی با مذاکرات صلح خاورمیانه و قرارداد غزه - اریحا نیز یکی دیگر از دلایل مواضع اخیر آمریکا در قبال جمهوری اسلامی می باشد. اعمال فشارهای آمریکا بر جمهوری اسلامی در ماههای اخیر بیشتر متوجه جلوگیری از دسترسی این رژیم به تکنولوژی های پیچیده و سلاحهای غیر متعارف و نیز بازداشتن کشورهای اروپایی و ژاپن از اعطای کمک های و وام های مالی به این بوده است. امتناع روسیه از تحویل سومین زیر دریایی به

روزنامه واشنگتن تایمز به نقل از یک مقام پنتاگون ادعا کرد که برنامه ریزی آمریکا برای درگیری با ایران مدتهاست که آغاز شده و جنگ با ایران اجتناب ناپذیر است. با توجه به اظهارات مقامات دیگر آمریکا در ماههای اخیر، سخنان این مقام پنتاگون درخور اعتناست. سیاستهای غرب ستیزانه کور جمهوری اسلامی، حمایت از بنیادگرایان و گروههای تروریستی در کشورهای دیگر، تلاش های احتمالی برای دست یابی به سلاح اتمی و... از جمله مواردی هستند که آمریکا پیوسته در توجیه تهدیدات

محکومیت رژیم جمهوری اسلامی

در مجمع عمومی سازمان ملل به خاطر نقض حقوق بشر

اعمال و کردار خلاف موازین بین المللی حکام تهران، دامنه تاثیر قطعنامه مجمع عمومی رازیر سوال برده است. اقدام اخیر دولت فرانسه در آزادی دو عامل متهم ترور کاظم رجوی و فرستادن آنها به تهران از نمونه های این گونه سیاست هاست.

امانه این اقدامات و نه ادعاهای وقیحانه حکومت اسلامی در مورد رعایت حقوق بشر در ایران و رد قطعنامه مذکور، نمی تواند تاثیرات مثبت محکومیت جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل را که یک پیروزی برای نیروهای دموکرات کشور است - تحت الشعاع قرار دهد. نیروهای دموکراتیک کشور که مبارزه افشاگرانه چندین ساله اشان علیه بیداد و ستم حاکم در ایران، نقش شایسته ای در آگاهی جهانیان نسبت به جنایات حکومت اسلامی داشته است، این موفقیت را باید به عاملی در جهت فعالیت بیشتر به منظور تحت فشار نهادن جمهوری اسلامی تبدیل کنند.

اعتراض قرارداد است. قطعنامه یاد شده رژیم تهران را عامل ترور رهبران و فعالان اپوزیسیون در خارج از کشوری دانند و از حکام جمهوری اسلامی می خواهد که به این ترورها پایان دهند.

مجمع عمومی سازمان ملل دولتهای ایران را محکوم می کند. قطعنامه مذکور، جمهوری اسلامی را محکوم می کند. مجمع عمومی سازمان ملل بار دیگر فشارها، سرکوب ها و ترورهای این رژیم را در سطح جهانی مطرح ساخت و بی آبرویی بیشتری را برای آخوندهای حاکم بدنبال آورد. لحن صریح و تند قطعنامه به گونه ای است که برای کشورهای موافق آن جایی برای مسامحه و چشم پوشی در مورد نقض حقوق بشر در ایران باقی نمی گذارد. متأسفانه تعلل و رفتار توجیه ناپذیر برخی از کشورهای چشم پوشی آنها بر

دوروزهای پایانی سال گذشته میلادی مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ای نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرد و برای اولین بار از جمهوری اسلامی خواست که به کشتن مخالفان خود در خارج از کشور پایان دهد. این قطعنامه که با ۷۲ رای موافق به تصویب رسید، شدیدترین انتقادی است که مجمع عمومی سازمان ملل تا کنون از پیمانال شدن حقوق بشر در ایران به عمل آورده است. ۲۳ کشور به قطعنامه فوق رای مخالف و ۵۷ کشور رای ممتنع دادند.

مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه مصوب خود تعداد زیاد اعدامها، موارد فراوان شکنجه و خشونت، مجازاتهای غیر انسانی و رفتار مخالف شئون انسانی، بی عدالتی و فقدان قانون در محاکمات، اجحاف و تبعیض در مورد اقلینهای مذهبی، محدودیت های آزادی اندیشه و بیان، تبعیض نسبت به زنان و سانسور مطبوعات در ایران را مورد انتقاد و

تعیین کمیسیون عالی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل

زمینه اتخاذ کردند زیرا که در قطعنامه تصریح شده است که کمیسیون عالی باید به حاکمیت، تمامیت ارضی و مصالح ملی کشورها احترام بگذارد. همچنین بر اساس متن این قطعنامه اهمیت ویژه ای در منطقه ای و شرایط مختلف تاریخی فرهنگی و مذهبی نباید نادیده گرفته شود اما کشورهای مختلف با هر نظام سیاسی اقتصادی فرهنگی وظیفه دارند در راه ارتقاء و دفاع از حقوق بشر و کلیه آزادی های اولیه بکوشند.

مستول دفاع از مردم در تلاششان برای برخورداری واقعی از کلیه حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خواهد بود. کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل موظف است بطور فعال در حل و فصل مشکلات و از بین بردن موانع موجود در راه تحقق کامل حقوق بشر مشارکت کند.

مجمع عمومی سازمان ملل در جلسه ۲۰امه خود ایجاد پست کمیسیون عالی حقوق بشر را به اتفاق آراء تصویب کرد. پیش نویس قطعنامه ای مزبور قبلاً از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تصویب شده بود. زمان پیشنهاد اولیه ای تشکیل چنین نهادی به سال ۱۹۴۶ برمی گردد. در کنفرانس جهانی حقوق بشر که اخیراً در وین برگزار شد نیز بحث های زیادی بر سر نحوه ای ایجاد این نهاد و وظایف و اختیارات آن انجام گرفت ولی کنفرانس وین تنها توانست تصویب کند که پیشنهاد ایجاد این پست به مجمع عمومی سازمان ملل متحد داده شود. کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل که یکی از کارکنان این سازمان محسوب خواهد شد زیر نظر مدیریت دبیر کل سازمان ملل کار خواهد کرد. وی اختصاصاً فعالیت های سازمان ملل در زمینه حقوق بشر را هدایت خواهد نمود و

برای ادای توضیحات ...

ادامه از صفحه ۱

عمل آمد و حتی خود متهم نیز برای در تناقض انداختن آقای دستمالچی با وی به مجادله پرداخت آقای دستمالچی مانند دیگر شهود تصریح کرد که ترور برلین به دستور جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

اظهارات تاکنونی شهود در دادگاه، تماماً با مفاد ادعای نامه دادستان در مورد نقش عباس رایل در این ترور تطابق دارد و اتهام وارده به وی به عنوان فرد کلت به دستی که تیر خلاص را شلیک کرده راتا ناید می کند. اثر انگشت رایل بر کلت پیدا شده نیز جای شک و شبهه ای در این مورد باقی نمی گذارد.

اما با توجه به تفاوت در اظهارات پتر بوم (یکی از مشنریان میکونوس در شب حادثه) و برخی شهود دیگر، ادعای دادستان درباره اینکه شریف (ایرانی فراری) فرد مسلسل به دست و ترور است اصلی بوده و امین در برابر ستوران کشیک میداده هنوز مورد ابهام است.

مهدی ابراهیم زاده در مورد یکی از ماموران اطلاعاتی رژیم به نام نجاتی اظهار داشت که نام وی را شنیده و می داند که به محل اقامت پناهندگان رفت و آمد می کرده و حدود ۸ ماه قبل از ترور هم در برلین حداقل یک ایرانی را ملاقات کرده است.

روزهای ۶ و ۷ ژانویه دادگاه به شنیدن اظهارات آقای پرویز دستمالچی و طرح استوالاتی از وی پرداخت. وی از جمله شرکت کنندگان در جلسه رستوران میکونوس بوده است.

از نامبرده پرسیده شد که آیا نجاتی را می شناسد؟ وی پاسخ داد که او را تنها از طریق فردی که قبلاً در هایم پناهندگی زندگی می کرده، می شناسد.

آقای دستمالچی، امین یکی از متهمین حاضر در دادگاه را با قطعیت شناسایی کرد و تصریح نمود که وی از عاملین ترور بوده است. از وی استوالات متعددی در این رابطه به

دوروزهای ۳ و ۴ ژانویه فردی بنام کاظم موسوی زاده در دادگاه حاضر شد و به استوالات رئیس دادگاه پاسخ داد. وی در ماه مه ۱۹۹۳ به پلیس مراجعه کرده و مدعی شده بود که هدف جلسه میکونوس ملاقات اعضای شرکت کننده آن با نجاتی مامور اطلاعاتی رژیم بوده است. موسوی زاده که خود را "مجاهد خلق" معرفی کرد، در پاسخ به استوالات رئیس دادگاه مبنی بر اینکه دلیل اظهارات او چیست؟ جواب داد: این نظرم و یک میلیون مجاهد است! وی در برابر تاکید رئیس دادگاه جهت ارائه دلیل معتبر برای گفته خود پاسخ داد، از نظر سیاسی این طور فکرمی کرده است و دلیل دیگری ندارد.

به نوشته مطبوعات آلمان این هفته اشمیت باوئر، وزیر هماهنگ کننده فعالیت های جاسوسی ضد جاسوسی آلمان باید در دادگاه حضور یابد و در مورد مسائل همچون چگونگی شرکت آذرابی در ترور میکونوس و نکات منظره در مذاکراتش با فلاحیان توضیح دهد.



ویگن
خواننده مشهور ایران

شوان
خواننده مشهور کرد

در

جشن بیست و سومین سالگرد جنبش فداییان خلق

محل: آلمان - بن
زمان: یکشنبه ۱۳ فوریه ۱۹۹۴
ساعت: ۱۸

برنامه های هنری
رقص های سنتی (گروه بهار)
اجرای ترانه های خاطره انگیز

مکان: BEUEL - BRÜCKEN
FORUM
Friedrich - Breuer - Str. 17

اعتراضات دانشجویی

دانشگاه صنعتی امیر کبیر

بنا به گزارش سازمان برون مرزی حزب ملت ایران، در دانشگاه صنعتی امیر کبیر تهران (پلی تکنیک سابق) اعتراضات چشمگیری علیه پذیرش چند تن از وابستگان به رژیم پد این دانشگاه صورت گرفته است. این افراد بطور غیر قانونی و بدون

دانشگاه های تهران، بهشتی و ایران

دانشجویان سال آخر پزشکی دانشگاه های تهران، شهید بهشتی و ایران به آئین نامه ی جدید ثبت نام امتحان تخصصی اعتراض کردند و خواستار تغییر آن شدند. بر اساس آئین نامه ی جدید، هنگام ثبت نام برای امتحان دوره ی تخصصی که حدود ۹ ماه قبل از شروع دوره ی تخصصی می باشد، متقاضی باید مدرک دکترای پزشکی خود را ارائه

دانشکده فنی بابل

دانشجویان دانشکده فنی بابل با انتشار اعلامیه ای به کمبودهای صنفی در محل آموزش خود اعتراض کرده و خواهان رفع این کمبودها شدند. یکی از خواسته های دانشجویان دانشکده فوق، شناسایی مدرک تحصیلی آنها از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به عنوان مدرک مهندسی است. در

واحد کانون زبان

دانشجویان واحد دختران کانون زبان ایران با شکستن تابلوها و قطع کردن سیمهای برق و بلند گویه نحوه ی مدیریت این کانون اعتراض کردند.

این اقدام بدنبال تأخیر در برگزاری امتحان پایان ترم صورت گرفت. دانشجویان به افزایش

هنرستان هفده شهریور

بر پایه یک گزارش دیگر، گروهی از هنرجویان هنرستان هفده شهریور تهران، در اعتراض به پرسشهای طرح شده برای داوطلبین

تظاهرات مردم علیه شهرداری در افسریه

گروهی از مردم افسریه در جنوب تهران در پی نزد هم دی ماه با تجمع در خیابان علیه شهرداری این منطقه دست به اعتراض زدند. مردم با مسدود ساختن اتوبان افسریه و جلوگیری از حرکت خودروها، منطقه وسیعی را تحت تأثیر اعتراض خود قرار دادند. در جریان اعتراض بر جمعیت مردم دم به دم افزوده شد و از سوی آنان شعارهایی علیه سران رژیم داده شد. پس از آغاز تظاهرات، گروه کثیری از نیروهای انتظامی، منطقه را تحت محاصره قرار دادند. بنا به گزارشهای رسیده بین مردم و نیروهای انتظامی درگیری رخ داد و گروهی از تظاهرکنندگان از سوی این نیروها بازداشت شدند. پس از این تظاهرات شهرداری در برابر مردم عقب نشست.

روزنامه جمهوری اسلامی با درج خبر تظاهرات افسریه در شماره ۱۶ دیماه خود، علت تظاهرات را اقدام شهرداری منطقه ۱۵ در جهت

جمهوری اسلامی با ج می خواهد

روز چهارشنبه ۱۴ دی ماه (۴ زانویه) موسوی تبریزی اعلام کرد که حکم اعدام هلموت زیملکوس، مهندس آلمانی توسط شورای عالی قضائی تأیید شد. وی در ژانویه سال ۹۲ محکوم به اعدام شده بود. موسوی تبریزی افزود که حکم صادره قطعی و تنهاتوسط رهبر انقلاب قابل لغو است. مقامات رسمی آلمانی در واکنش به صدور حکم اعدام در مورد تبعه خود و با رجوع به دولت ایران خواستار لغو حکم مذکور شدند. زیملکوس که ظاهراً به اتهام جاسوسی برای عراق محاکمه شده در سال ۸۹ در نزدیکی مرز ایران و عراق دستگیر شده است. از صحت یا سقم اتهام مذکور خبری در دست ما نیست، اما در واقع احتیاجی هم به خبر دقیق نیست، چرا که این اتهام تنها ظاهر امر می باشد. واقعیت این است که

ملاقات فلاحیان با مقامات امنیتی اسرائیل

روزنامه ی نیویورک تایمز اخیراً مدعی شده است که در دیدار سه ماه گذشته ی فلاحیان با مقامات آلمانی، نمایندگان موساد اسرائیل نیز حضور داشته اند و مذاکرات پنهانی در پشت درهای بسته میان مقامات امنیتی دولتهای اسرائیل،

رژیم در دانشگاهها بدنبال چیست؟

ادامه از صفحه ۱
جدا کردن دین از سیاست است. گروه دوم: آنها می هستند که شعور سیاسی دانشجویان را مزاحم قدرت طلبی خودشان می دانند. گروه سوم: آنها می هستند که نا آگاهانه در دامی افتاده اند که گروههای ذکر شده تدارک دیدند.

حکومت به زعم خود علاوه بر ریشه یابی علل این بی تفاوتی ها و سعی بی گیر در از سر راه برداشتن همه مسببین وضع فوق الذکر، راه حل دیگری هم برای مبارزه با این معضل ارائه می دهد که همانا تأکید مجدد بر تحکیم هر چه بیشتر حوزه و دانشگاه است. البته این بار وظایف مشخص تر شده اند. آقای ناطق نوری رئیس مجلس در ایتمورد می گوید: "حضور روحانیون در دفاتر نمایندگان رهبری در دانشگاهها باید به رفع انبوهات در زمینه های مسائل حکومتی و ولایت فقیه کمک کند." دوباره سیاسی شدن دانشگاهها از نظر آقایان برگشت به دوران طلایی گذشته است. زمانی که هنوز باورها به مردمی بودن حکومت برآمده از انقلاب عمل می کرد و انجمن های اسلامی حکومتی بعنوان عوامل اجرایی سیاست های آنان می توانستند از اقتضای استفاده کنند و آنها را به میدانهای مین و جهادهای دانشگاهی و جبهه های کردستان و غیره بفرستند.

نسخه های دیروز یعنی فشار ایدئولوژیک در قالب فرم های مثل ستادهای تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه با تأکیدات هر چه قوی تر هم اثری ندارد. زیرا کارنامه این ستادها روشنتر از آن است که حتا برای آدم های خام هم جای شبهه ای باقی نگذارد تا چه رسد به قشر دانشگاهی.

به بن بست رسیدن تز تحکیم

لایحه نظام خدماتی در مانعی اجرایی نمی شود

دریافت هرگونه وجهی از بیمه شدگان را در درمان مستقیم مغایر با قانون دانست. یادآوری می کنیم که در برنامه ی دوم پنجساله ی رژیم قرار است سوسید بخش بهداشت و درمان در بهترین حالت بتدریج تا پایان برنامه ی پنجساله در صورت عدم تأمین اعتبار بطور یکباره قطع شود. مرتدی وزیر بهداشت حکومت در زمان اعلام این خبر وعده داده بود که با اجرای لایحه ی نظام خدمات درمانی خلا ناشی از حذف سوسید برطرف شود و افسار کم درآمد اعم از روستائیان، کارگران، و کارمندان تحت پوشش بیمه قرار گیرند.

سخنان آقای رشیدی نشان می دهد که وعده های رژیم برای اجرای بیمه ی همگانی توخالی و بدون پشتوانه بوده است. حذف سوسید بخش بهداشت و درمان و عدم اجرای لایحه ی نظام خدمات درمانی بخاطر نبرد اعتبار کافی برای مردم زحمتکش میهنمان حاصلی جز محرومیت بسیار شدید در مقیاسی بمراتب بیش از گذشته نخواهد داشت.

طرح نظام خدماتی در مانعی که قرار بود سال آینده به اجرا در آید، اجرا نخواهد شد. مهندس احمد رشیدی عضو شورای عالی تأمین اجتماعی و سخنگوی کمیته ی بیمه و درمان اعلام کرد که عمده ترین دلایل و مشکلات لایحه ی پیشنهادی دولت کسری حدود ۵۰ میلیارد تومان سازمان تأمین اجتماعی، عدم وجود مکانیزم لازم برای بیمه شدن روستائیان، عدم اعتبار لازم در محاسبات مربوط به سرانه ی درمان، عدم وجود آمار و روش های مالی مناسب برای ارزیابی اقتصادی در وضعیت درمان و ورشکستگی سازمان تأمین اجتماعی در صورت اجرای لایحه با یافت کنونی می باشد. او گفت که لایحه بطور جامع مورد بررسی قرار نرفته است و در آن ایرادات اساسی وجود دارد.

رشیدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: دولت بایستی مابه التفاوت سهم و هزینه های درمانی کارگران را پرداخت نماید در غیر اینصورت درمان کارگران به اضمحلال کشیده خواهد شد. وی همچنین

گلیا یگانی: حوزه های علمیه نباید دولتی شوند

این مواضع جمهوری اسلامی را که اخیراً در شرایط فقدان اتفاق نظر در مورد مرجع تقلید، برای تثبیت موقعیت خامنه ای و دولتی کردن هر چه بیشتر حوزه های تلامذهای جدی تری را آغاز کرده، با مشکلات و موانع بیشتری مواجه می کند.

سطح عمری بازتاب چندانی نداشت و با اعتراضات برخی مراجع دیگر قابل قیاس نبود. اما با مطالبی که وی در وصیتنامه خود ذکر کرده است، عملاً مخالفت خود با دولتی کردن حوزه های علمیه و با هرگونه تلاشی در این زمینه ابراز داشته است.

گلیا یگانی در وصیت نامه اش از جمله نوشته است: "مخصوصاً بر پاسداری از استقلال حوزه و اداره آن زیر نظر مراجع عظام که مکرر تأکید کرده ام باز هم تأکید می کنم که در پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئولید."

با مرگ خمینی و محروم شدن جمهوری اسلامی از فردی که در حوزه های علمیه دارای اقتدار و انوریته باشد، با توجه به وزن و اهمیت این مرکز در حفظ و تداوم بقای رژیم، تلاش رژیم بر آن قرار گرفت که از وزن و تأثیر مراجع مختلف در حوزه های علمیه بکاهد و به روحانیونی پروبال دهد که جزئی از دستگاه دولتی باشند. با انتخاب خامنه ای به رهبری جمهوری اسلامی طبیعی بود که حوزه های علمیه به پذیرفتن اقتدار او سوق داده شوند و دولتی کردن این مراکز در شمار اهداف اولیه رژیم قرار گیرد. اما این تلاش ها پیوسته با مراجع مختلف و بخش های مختلف حوزه ها قرار می گرفت. بویژه حضور مراجع همچون آیت الله خویی، آیت الله منتظری، آیت الله گلیا یگانی و... مانعی اساسی در تحقق اهداف فوق بوده اند.

مخالفت های آیت الله گلیا یگانی در دوران حیات وی در

دولت روزنامه درست می کند

به گفته غلامحسین کریماسی شهردار تهران، دولت قصد دارد یک روزنامه منتشر کند. وی گفت این روزنامه در آینده ای نزدیک منتشر خواهد شد. کریماسی که مدیر مسئول روزنامه همشهری است این تصمیم راناشی از موفقیت روزنامه همشهری وابسته به شهرداری تهران دانست. وی این سخنان را در مراسم نخستین سالگرد انتشار روزنامه همشهری که حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور نیز در آن شرکت داشت، بیان کرد.

جشن اولین سالگرد بازگشت کوکا کولا به ایران!

"کوکا کولا" اولین سالگرد بازگشت خود به ایران را جشن گرفت و به این مناسبت بهای خود را تا ۲۰ درصد کاهش داد. در یک تبلیغ کوکا کولا که بر روی اتوبوسهای شهری نصب و در برخی روزنامه ها چاپ شد، نوشته شده بود: "جشن اولین سالگرد کوکا کولا در ایران با قیمت استثنائی!" قیمت کوکا کولا پس از کاهش به ۲۰۰ ریال رسیده که، هریال از سایر نوشابه های بیشتر است.

بازگشت کوکا کولا به ایران، با اعتراض پاره ای از محافل وابسته به حکومت همراه بوده است.

گشت جدید اداره آگاهی

رضا سیف الهی فرمانده نیروی انتظامی خیر تشکیل یک گشت جدید اداره آگاهی را اعلام کرد. این گشت جدید "ضربت" نام دارد و به گفته مقام مذکور در راستای تشدید مبارزه با سارقین تشکیل شده است.

پاس تهران با قهرمان آفریقا مساوی کرد

تیم فوتبال پاس تهران قهرمان باشگاههای آسیا مسابقه رفت خود با تیم "الوداد" مراکش را با نتیجه مساوی بدون گل به پایان رساند. این مسابقه در چهارچوب تعیین قهرمان باشگاههای آسیا آفریقا در تهران برگزار شد و ۲۵ هزار نفر از آن دیدن کردند. مسابقه برگشت در مراکش برگزار خواهد شد.

نکاتی از "لایحه برنامه ۵ ساله دوم"

برخی جوانب برنامه دوم توسط روزنامه های وابسته به حکومت انتشار یافته است. این جنبه ها بروشنی نشان می دهند، سیاست های دولت برای ۵ سال آینده پیش بینی کرده، ادامه همان سیاست های سابق است با این تفاوت که بدلیل کاهش شدید درآمدهای نفتی، دیگر دست دولت در واردات به سیاق سابق باز نیست و لاجرم واردات محدود خواهد شد. دولت این راه به حساب "حمایت از تولیدات داخلی" گذاشته است و دیگر اینکه بخشی از کاهش درآمدها از طریق افزایش بهای خدمات دولتی در سال های آتی جبران خواهد شد. مطابق پیش بینی دولت بهای تقریباً تمام خدمات دولتی در ۵ سال آینده به شدت افزایش خواهد یافت. بعنوان مثال متوسط بهای فروش فرآورده های نفتی از ۲۸/۴ در سال ۷۳ به ۱۲۸/۷ در سال ۷۷ خواهد رسید. یعنی درست ۵ برابر،

موادی از برنامه دوم ۴ - سیاست حذف تدریجی سوبسیدها، آشکار کردن آنها و کاهش کالاهای کوچک بی تدریج ادامه خواهد یافت. معافیت سود بازرگانی و حقوق گمرکی وزارتخانه ها و موسسات دولتی و نهاد های انقلاب اسلامی و شرکت هایی که مشمول قانون مستلزم ذکر نام است، لغو می گردد. سیستم بانکی موظف است با اخذ وثیقه از طرف ایرانی به نفع طرف خارجی برای معاملات بای یک اقدام نماید. دولت اجازه دارد برای اجرای برخی طرحها تا سقف ۴/۹ میلیارد دلار از تسهیلات بلا عوض یا اعتباری میان مدت و بلند مدت موسسات مالی خارجی و بین المللی استفاده نماید. پرداخت اصل و فرع تعهدات ارزی در سال پایانی برنامه دوم نسبت به سال آغاز آن ۱۵ درصد کاهش می یابد. فرایند واگذاری واحدهای دولتی به تدریج انجام خواهد شد که امر واگذاری این شرکتها تا پایان برنامه دوم میسر گردد.

سال ۱۳۷۱، ۲۹ میلیارد دلار کالا وارد کشور شد

بر اساس آمار منتشره از سوی دفتر آمار و خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی، واردات کشور طی سال ۷۱ معادل ۲۹ میلیارد دلار بوده است. این مبلغ شامل ارزش کالایی می شود که از طریق گمرکات مختلف از ۱۲۰ کشور جهان وارد کشور شده است. از مجموع ۲۱ میلیارد تن کالای وارداتی ۲۷ درصد سرمایه ای، ۶۰ درصد واسطه ای و ۱۳ درصد مصرفی بوده است. بیشترین واردات کالا از نظر ارزشی در سال ۷۱ از کشورهای آلمان، ژاپن و ایتالیا به ترتیب معادل ۲۴۱/۲۴۵/۲۴۱، ۲۴۰/۸۲۳/۹۴۲/۶۷۳ و ۱۸۹/۸۷۵/۷۸۲ ریال بوده است. همچنین معادل ۱۶۳/۲۳۹/۵۳۳ ریال کالا از آمریکا وارد شده است. برخی از کالاهای وارداتی در سال گذشته شامل: سیگار به ارزش ۶۱ میلیارد و ۲۲۱ میلیون ریال، عکس برگردان متجاوز از ۲۰۳ میلیون ریال،

تمبر پستی و همانند آن حدود ۲۰۱۰ میلیارد ریال، مداد بیش از ۹۱ میلیارد ریال و نوارهای ضبط صوت و ویدئو یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال می باشد. بر اساس این آمار ارزش واردات انواع اتومبیل و وسایل نقلیه ۲۹۶/۰۶۵/۸۹۸/۰۰۰ ریال این مبلغ تنها به واردات اتومبیل های شخصی اختصاص داشته است. گمرک جمهوری اسلامی ارزش کالاهای صادراتی غیر نفتی در سال ۷۱ را معادل ۲/۸ میلیارد دلار عنوان کرده است. آمار فوق شامل کالاهای مشمول معافیت های سیاسی، کالاهای ترانزیت خارجی، اشیاء همراه مسافر که برای آنها اظهارنامه تنظیم نشده و کالاهای قاچاق نمی شود که در صورت احتساب ارزش این نوع کالاها، واردات کشور بیش از ۲۹ میلیارد دلار خواهد بود.

ناطق نوری:

پول نفت محدود است، تعدادی از طرحها را باید از دستور خارج کنیم

ناطق نوری رئیس مجلس سخنرانی که بمناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در مسجد دانشگاه تهران داشت، باردیگر بحران حادی که اقتصاد کشور را فرا گرفته است، را تایید کرد. وی از تاثیر سقوط بهای نفت بر اقتصاد کشور سخن گفت و اضافه کرد ارزش مصوبه در مجلس بر پایه بهای نفت هر بشکه ۱۷ دلار بود، اما اکنون به بشکه ای ۱۱ دلار رسیده است. سخنان ناطق نوری درست برخلاف اظهارات رفسنجانی است که در همین روزها ادعا کرد اقتصاد کشور چندان به ارز نفت متکی نیست و سقوط بهای نفت "مهم و شکننده" نمی باشد. که چرا مجلس و مسئولان اقتصادی در قضیه تک نرخی کردن ارز کوتاهی کرده و اکنون مجلس مقصرین را باز خواست نمی کند، گفت: "در این خصوص بحث مفصلی در بودجه ۷۲ شد و جزو برنامه هم بود که انجام گردید و بالاخره به عنوان یک نظریه اعمال شد. این معنا نمی دهد که دولت برود قرض کند و ارز ۷ تومانی ادامه حیات نخواهند بود. تاثیر افزایش نرخ ارز روی قیمت کالاهای مصرفی بویژه اجناسی که مواد اولیه آنها از خارج وارد می شود، سریع و فوق العاده بود. ما شش لیاوشویی و تلویزیون به نسبت و سرعت افزایش بهای ارزهای خارجی، گران شده اند. برخی واحدهای تولیدی که مواد اولیه خود را در چند سال گذشته خریداری کرده اند، هزینه تمام شده کالاها را خود را به نرخ دلار امروز محاسبه و منظور می کنند. کاهش تقاضا نسبت به اجناس خارجی بدلیل افزایش بهای آنها، موجب افزایش تقاضای تولیدات داخلی شده است و همین افزایش تقاضا به افزایش بهای تولیدات داخلی نیز منجر شده است. پیامد چنین وضعی رفته رفته کاهش تقاضا را به همراه آورده است به طوری که از هم اکنون نشانه های رکود در بازارها به شکل آشکاری پدیدار شده است. بانک تجارت شعبه ۶ لندن می رسد

تاثیر سقوط ارزش ریال بر وضع تولید و مصرف

سقوط ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی که سه هفته پیش از مرز ۲۳۰ تومان به ازای هر دلار ریزش گذشت، در دو هفته گذشته به تدریج پائین آمد و دلار آمریکا در بازار آزاد ارز بین ۲۱۰ تا ۲۰۸ تومان تقریباً ثابت ماند. این در حالی است که نرخ دلار آمریکا از سوی بانک مرکزی ۱۷۵۰ ریال اعلام شده است که تفاوت قابل ملاحظه ای میان نرخ رسمی اعلام شده و نرخ بازار نشان می دهد. افزایش بهای ارزهای خارجی در برابر ریال بلافاصله تاثیر خود را بر وضع بازار، واحدهای تولیدی و بهای کالاهای مصرفی گذاشت. بنا به اظهارات مسئولان واحدهای تولیدی، افزایش نرخ ارز سبب افزایش قیمت تمام شده کالاها و کارخانجات و افزایش سرسام آور آن در سطح خرده فروشی شده است. برخی از مدیران کارخانجات گفته اند چنانچه روند کنونی افزایش نرخ ارز ادامه یابد، هیچیک از واحدهای صنعتی و تولیدی قادر به

دزدی بزرگ در بانک تجارت

که در آن از این شعبه خواسته می شود از حساب مخصوص پرداخت های بین المللی، مبالغ پیش گفته به حساب معاون بانک تجارت لندن و دین دیگر از کارکنان این بانک ریخته شود. سه نفر مذکور پس از تقسیم پول میان خود هر یک به کشوری از جهان مهاجرت می کنند و تنها پس از مشخص شدن جعلی بودن تلکس، وزارت داد گستری ایران و پلیس بین المللی اقدامات خود را آغاز می کنند. افشای این ماجرای مرموز و پرابهام چند سال پس از وقوع، اذهان بسیاری را در داخل و خارج کشور به خود مشغول کرده است. شخصی با امضاء محفوظ در نامه ای با عنوان "کتمان چرا؟" به روزنامه ای سلام می نویسد: مدتی است که از افشای اختلاس چند میلیاردی در بانک تجارت می گذرد و تاکنون اطلاعات موثقی از طرف مسئولان ذربط منتشر نشده است. این جای سؤال است که چرا کسانی که بیت المال و سرمایه های این کشور را اختلاس کرده اند به مردم یعنی صاحبان آن معرفی نمی شوند و مسئولان بانک مرکزی و قوه قضائیه سکوت اختیار کرده اند؟ در حالیکه کلاهبرداری های کوچکتر با تیترهای درشت در روزنامه ها به چاپ می رسد و مسئولان امور توضیحات مفصلی پیرامون آن می دهند، اختلاس چند میلیارد ریالی بانک تجارت به سکوت برگزار می شود!؟ سؤال دیگر این است که آیا گریبانگ مرکزی بانک ها را از نظر حسابرسی کنترل نمی کند که چنین اختلاسی با ارقام نجومی پنهان مانده بوده است؟ موضوع عدم افشای ماجرای اختلاس و سکوت مسئولان حکومتی تنها برای نویسنده ای نامی فوق سؤال برانگیز نبوده است. با وجود اینکه بنظر می رسد علت وقوع دزدی ذکر شده بیشتر بخاطر هر چه و مرج بی حساب و کتابی دستگاه های دولتی جمهوری اسلامی باشد، احتمال این را که این رشته سردرناز در داشته باشد و مقاماتی ریزباز در دست داشته باشد حاکم رژیم در این اختلاس سهمیم بوده باشند، نمی توان کاملاً منتهی دانست.

بحران در بالا و ...

مسائل مهم کشور سخنرانی کردند و رفسنجانی نیز در یادارها نمایندگان به تشریح اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور پرداخت. مسائلی که در اجلاس خیرگان گذشت، گرچه به مطبوعات راه نیافت ولی موضع گیریهای بلافاصله بعد از اجلاس حکومت، حاکی از آنست که مجلس خیرگان که بقول خامنه ای "اشرف مجامع و سازمانها و تشکیلات نظام جمهوری اسلامی" است به حمایت از رفسنجانی و سیاستهای او برخاست. خامنه ای در دیدار با اعضای مجلس خیرگان از رفسنجانی تعریف و تمجید شدیدی کرد و گفت: "امروز وضع اقتصادی بسیاری از کشورهای همسایه به ایران نشان می دهد که وضع اقتصادی مردم ما بسیار بهتر از آنهاست و در طول دهه ها سال گذشته هیچ رئیس دولتی به لیاقت، توانایی، امانت و صداقت آقای هاشمی رفسنجانی وجود نداشته است و ما باید این شخصیت برجسته عزیز و با ارزش را بعنوان نعمت بزرگی از سوی خداوند متعال قدر بدانیم. جنتی نیز در نماز جمعه با اشاره به بیانات خامنه ای از "زحمات، لیاقت، امانت و صداقت رفسنجانی" تقدیر کرد. رفسنجانی با توجه به این موضع گیری ها، در سخنرانی خود هنگام ارائه برنامه دوم بودجه سال ۷۳ به مجلس شورا گفت: ما این کمبودها را که بزرگ جلوه دهیم، اصلاً به صلاح مملکت نیست. اخیراً مقام رهبری دلسرد کردن مردم را از کنهان کبیره معرفی کرد. مجموعه موضع گیری ها نشان می دهد که سران حکومت بر آنند که موج انتقادهای برخاسته از درون حکومت را مهار کنند، برنامه اول دولت را موفق "جایز نند، مشکلات را کوچک جلوه دهند و جلو شکاف در بالا را بگیرند. تدابیر سران حکومت گرچه بطور مقطعی ممکن است موثر افتد و تا مدت زمانی حمایت، تعریف و تمجید از رفسنجانی و برنامه او صفحات روزنامه ها را سیاه کند و انتقادها کاهش یابد ولی چاره ساز بحران عمیق اقتصادی و سیاسی که تا روپود کشور را در نوردیده است، نخواهد بود. زمینه ساز شکاف در بالا، وجود گرایش های مختلف و بحران اقتصادی است. با وجود این زمینه ها، بحران سیاسی در حکومت ادامه خواهد یافت.

بودجه سال آینده و برنامه دوم ...

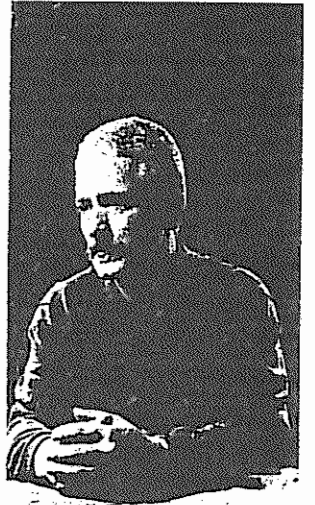
ادامه از صفحه ۱
وخامت اوضاع و بازبینی اساسی برنامه های دولت سخن می گویند، رفسنجانی مدعی است که همه امور به سامان است و اشارات روزنامه ها بر برخی مقامات حکومتی به گونه هایی از اوضاع فاجعه بار اقتصادی را "مایوس کردن مردم" تلقی می کند و آنرا "گناه کبیره" می داند. رفسنجانی دقیقاً بر همین اساس نیز در مجلس از بودجه سال آتی و برنامه دوم دولت خود دفاع کرد. سخنرانی طولانی وی در مجلس به هنگام ارائه لایحه بودجه ۷۳ برنامه ۵ ساله دوم، تماماً دفاع از کارکرد دولت خود در برنامه اول بود. وی با ارائه آمار و ارقام مربوط به سالهای ۶۸ تا ۷۲ (سالهای اجرای برنامه اول) و مقایسه آن با سال ۶۷ مدعی شد که اقتصاد کشور در درجه زمینه ها رشد داشته و برنامه اول مطابق پیش بینی و در برخی عرصه ها حتی از پیش بینی پیش رفته است. همه استدلالهای رفسنجانی در دفاع از کارکرد دولت خود در ۵ سال گذشته متکی به این عوام فریبی بود که دولت ارزش مصرفی جنگ را پس از پایان آن همراه با قرض خارجی، صرف خرید انبوهی از کالا و مواد اولیه کرده است. صنایع کشور که در زمان

جنگ در بهترین حالت در کمترین یک سوم ظرفیت خود کار می کردند، تولید خود را افزایش داده و بازار از انواع کالاها را خارجی و داخلی اشباع شده است. این کارکرد دولت را - که اکنون روشن شده ضریبات جبران ناپذیری به اقتصاد و صنعت و کشاورزی کشور و نیز حیثیت آن در جهان خارج زده - آقای رفسنجانی به حساب رشد تولید و صنعت می گذارد. در حالیکه بنا به آمارهای دولتی نه تنها رشدی در کار نبوده بلکه میزان سرمایه گذاری در بخش های صنعت و تولید در قیاس با کشورهای مشابه ایران بسیار پائین تر بوده است. بعنوان مثال بنا به آمار گمرک جمهوری اسلامی، در سال ۷۱ بیش از ۲۹ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده است که سهم کالاهای مصرفی از این واردات متجاوز از ۷۵ درصد بوده است. لایحه بودجه سال آینده در حالی که مجلس رفت که بودجه سال جاری بدلیل پائین آمدن درآمدهای نفتی با کسری جدی مواجه است. به نوشته روزنامه ها با وجود آنکه هنوز سه ماه به پایان سال جاری باقی مانده، بودجه امسال بیش از ۲۰ درصد کسری دارد. در پایان سال

این رقم به بیش از ۳۰ درصد خواهد رسید. این احتمال که درآمدهای ارزی در سال آتی افزایش یابد بسیار ضعیف است. به این خاطر دولت در بودجه سال آینده پیش بینی کرده است که اگر درآمدهای نفتی افزایش یابد، اعتبارات دستگاهها افزایش خواهند یافت و در صورت کاهش بهای نفت، از آن کاسته خواهد شد. برخلاف ادعای رفسنجانی در باره سمت گیریهای اساسی برنامه دوم که گویا با هم بر رشد تولید و صنعت توجه دارد و نیز برخلاف توصیه های شعار گونه خامنه ای در نامه به دولت، سیاستهای آتی دولت ادامه سیاستهای قبلی است با این تفاوت که در اثر کاهش شدید درآمدهای ارزی، از یکسو واردات را کاهش خواهند داد و از سوی دیگر با افزایش قیمت تقریباً تمام خدمات دولتی و نیز انواع مالیتهای غیر مستقیم که یک نمونه آن هفته گذشته در مجلس به تصویب رسید، بخشی از هزینه های دولت را روی دوش مردم منتقل خواهد کرد. نکات برجسته برنامه دوم دیگر جنبه های اوضاع اقتصادی کشور در مقالات همین شماره کار مورد بررسی قرار گرفته است.

نوار جدید فرهاد

در ایران



فرهاد خواننده مطرح دهه پنجاه در ایران که با ترانه‌های مرد تنها، شبانه، جمعه، پوی عید، گنجشکک و بسیاری دیگر، در میان نسل جوان و روشنفکر ایرانی محبوبیت ویژه‌ای داشت، پس از سالها سکوت به تازگی نوار جدیدی را به نام "خواب در بیداری" توسط موسسه فرهنگی و هنری آمه در ایران منتشر ساخت.

ترانه‌های این مجموعه با تک نوازی پیانو توسط فرهاد همراه است و در آنها، فرهاد علاوه بر استفاده از اشعار مهدی اخوان ثالث (تورا دوست دارم) و دکتر شفیعی کدکنی (کوچ بنفشه‌ها)، ترانه خیال خوشی از نمایشنامه رنجار دوم اثر ویلیام شکسپیر و خواب در بیداری را بر اساس شعری از Jimenez و Juan Ramon اجرا کرده است. شش ترانه از این مجموعه نیز به زبان انگلیسی خوانده شده است. طرح و نوشته‌ی جلد نوار نیز کار فرهاد است.

آخرین آثار فرهاد (شبانه ۲ و محمد) در دوران انقلاب بر اساس اشعاری از احمد شاملو و سیاوش کسرائی اجرا شد و از آن زمان تا کنون هیچ اثر دیگری از وی منتشر نشده بود.

آیا کانون نویسندگان ایران فعالیت خود را از سر می‌گیرد؟

ضرورتها، تجربه‌ها و موانع

کانون نویسندگان ایران که پایه‌گذاریش به سال ۱۳۴۶ باز می‌گردد، چه در دوران اول فعالیتش (واسط دهه ۵۰) و چه در دوره دوم فعالیت خود (۶۰-۱۳۵۶) پیوسته نقش مؤثری در دفاع از حقوق اهل قلم و مبارزه با سانسور و محدودیت‌های مربوط به آزادی اندیشه و بیان ایفاء کرده است. در واقع این کانون به عنوان یکی از نهادهای دموکراتیک در حیات سیاسی-اجتماعی معاصر ایران از مناسرو اساسنامه‌ای مترقی، پیشرفته و فراگیر برخوردار بوده و منشأ فعالیت‌های فرهنگی و اشاعه روحیه تعاون و همبستگی در جامعه روشنفکران ایران گردیده است. درهای کانون در تمام دوران فعالیتش بر روی هر اندیشه‌ور، هنرمند و نویسنده‌ای با هر گرایش سیاسی و فکری گشوده بود. تنها کسانی که به نوعی با دستگاه سانسور و اختناق همکاری داشتند از دایره کانون بیرون می‌مانند.

متأسفانه کمبود تجربه دموکراتیک، ضعف فرهنگ فعالیت‌های صنفی و دموکراتیک بی‌اعتنایی احزاب و گروه‌های سیاسی به استقلال انجمن‌ها و نهادهای دموکراتیک سبب شد که

بویژه در سالهای اول پس از انقلاب بخشی از هنرمندان و نویسندگان گرایش‌های سیاسی خود را تمام و کمال به درون کانون سرایت دهند. این امر دست‌بندی‌ها و تنش‌هایی را در پی داشت که نهایتاً به انشعاب در کانون نویسندگان ایران منجر گردید. بخشی از کانون که کماکان به نام "کانون نویسندگان ایران" به فعالیت خود ادامه داد گرچه از تلاش عده‌ای از اعضای خود برای تابع نمودن مواضع و فعالیت‌های کانون به گرایش‌های سیاسی خود بی‌اسیب نماند، مع‌هذا کمابیش در محدوده دیدگاه‌ها و نگرش‌های دموکراتیک مطرح در منشور و اساسنامه خود عمل نمود.

بخش دیگر کانون که به نام "شورای نویسندگان و هنرمندان ایران" کار خود را آغاز کرد به رغم برخی از اقدامات مثبت، از آنجا که در سیاست و تدابیر خود از مواضع نادرست و ناپیگیر حزب توده ایران و سازمان در حمایت از آزادی‌های دموکراتیک متأثر بود، در دفاع از آزادی اندیشه و بیان و پاسداری از حقوق هنرمندان و نویسندگان مجموعاً ناپیگیرانه و غیرفراگیر عمل نمود و در انتقاد از گرایش‌ها و سیاست‌های ضد دموکراتیک و انحصارطلبانه حاکمیت در

واگذاشت

آفتاب را به تو نمی‌دهم تا خرد خورده بشکانتی اش و از آن هزار ستاره بسازی.
ماه را به تو نمی‌دهم که بخاطر کوه نور، دریای مروارید را انگار کنی.
ستاره‌ها را به تو نمی‌دهم تا بگوئی، خوشا شبهای بی‌مهتاب.
آسمان را به تو نمی‌دهم تا ندانی که چه باید کرد!...

فروردین ۶۸
مفتون امینی

بوسه‌ای که خشم حزب الله را برانگیخت

دانشگاه اسلامی علی‌گرنیز ضمن حمله به خانم عزمی عنوان نمود که اگر علیه روبروسی وی با ماندلا اعتراض نشود، فردا ممکن است او مرد غربی‌های راهم به اتاق خوابش دعوت کند.

اندیشه و تهدیدات کراخت آمیز حزب الله هند موجی از خشم و اعتراض را در میان مردم، هنرمندان و سازمان‌های مختلف زنان هند دامن زد و همه آنها را به پشتیبانی و حمایت از عزمی برانگیخت. دو آناند هنرمند نامدار هند از عزمی بعنوان روح آزاده جامعه آزاد هند یاد کرد. جاوید اختر همسر عزمی ماچرا را چنان مضحک و چندانش آورد است که نیاز به هیچ‌گونه شرح و تفسیری ندارد.

خانم عزمی در گزارشی که از دیدار با ماندلا در یکی از نشریات هند چاپ کرد، وی را نماد رنج و حرمان بیعدالتی در جهان دانست و قهرمانی‌های وی را با زتابی از روح شکست‌ناپذیر انسان در مبارزه برای آزادی، داد و برداری خواند.

عدم اعتنا عزمی به تهدیدات ارتجاعی، خشم حزب الله هند را برانگیخت و خیابانهای دهلی این روزها شاهد جار و جنگالهای گاه و بیگاه بنیاد گرایان می‌باشد.

جریان از آنجا آغاز شد که خانم شایانا عزمی، بازیگر پرآوازه سینمای هند اوایل دسامبر گذشته هنگامی که هدیه جمعیت هندی مقیم کاب اشانت (آفریقای جنوبی) را به نلسون ماندلا تقدیم می‌کرد، با وی به نشانه تحسین و احترام روبروسی نمود. هدیه فوق به پاس مقاومت و ایستادگی سی‌ساله نلسون ماندلا در زندانهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و مبارزه وی در راه برچیدن نظام تبعیض نژادی به وی اعطای شد.

گرچه ماندلا ۷۵ ساله است و خانم عزمی نیز خود مسلمان و دارای همسر و فرزند است، مع‌هذا حزب الله هند روبروسی این دورا خلاف شرع و غیرقابل تحمل دانسته و اعلام کرد که اگر خانم عزمی تا ۲۸ دسامبر از کرده خویش معذرت نخواهد، مسلمانان به تظاهرات علیه وی دست زده و عکسهای او را به عنوان مفسد فی الارض به آتش خواهند کشید.

گفته اکبر احمد رئیس یکی از گروه‌های پر نفوذ حزب الله هند یک زن مسلمان حق ندارد در انتظار عمومی با یک مرد غربی "ارتباط" برقرار کند. پرفسور بیدرالا سلام از

اشاره به سیاست‌ها و برخوردهای منفی و فرهنگ ستیزانه دولتمردان به عنوان عاملی با زدارنده در راه تجدید دوباره فعالیت کانون عمدگی دارد:

کانون نویسندگان ایران مرده نیست، چرا که هیچگاه انحلال خود را نپذیرفته است. جلوه فعالیت آن به دلیلی که هر گز به زبان نیامد گرفته شد. میکوشیم دوباره فعالش کنیم و تازه به عقیده من اگر نشد هم اهمیتی ندارد. کانون نویسندگان زنده است چون فکرش در ذهن یکایک ما زنده است. یعنی هر یک از ما کارگران فرهنگی که به مواضع درخشان آن پابندیم به تنهایی یک کارکنیم... (احمد شاملو آینه ۷۲ ص ۲۱۳)

تا وقتی که به نویسندگان و هنرمندانی که جزو معدود افتخارات واقعی این کشورند با سوءظن می‌نگرند، آنان را تحقیر می‌کنند و دشنام‌های عوامانه می‌دهند سانسور، بی‌گانه پرست، غرب زده، فاسدالاخلاق، معلوم الحال هنرمند تمام انرژی سازنده خود را صرف کنترل عصبی می‌کند، یعنی شرایط سالم برای خلق هنری و ادبی بوجود نمی‌آید، چه برسد به فعالیت‌های صنفی... شأن کانون نویسندگان ایران بالا تر است از آنکه بخواد در چنین فضایی فعالیت کند و احتمالاً اعصاب خود را قربانی هضم دشنام‌های رکبک بکند... (محمد علی سپاهلو آینه ۷۷ ص ۲۷)

این که ما فکرمی‌کنیم که آقا می‌خواهیم یک جمع صنفی درست کنیم و در سیاست دخالت نکنیم که گاهی اوقات به صورت کم و بیش پوشیده و آشکارا به همین مفهوم عنوان می‌شود، خوب این که نمی‌تواند یک خواست اساسی اهل قلم باشد، برای این که آزادی اندیشه و بیان یک امر حیاتی برای کل جامعه است، بخصوص برای گروه نویسنده و کسانی که در کار خلاقیت فکری و هنری فعالیت دارند و اصل قضیه هم این است که بالاخره در زندگی اجتماعی دخالت کند... از آن سو هم دولت باید این مسئله را در نظر بگیرد و بداند که هیچ نهادی که نسبت به حقیقت ذاتی خودش متعهد نباشد و اصیل نباشد نمی‌تواند در جامعه رشد کند. وقتی که نتوانست

چشم انداز و گفتگو

گفتگو نام فصلنامه‌ای است که از تابستان سال جاری در ایران انتشار می‌یابد. آنگونه که در مقدمه شماره اول گفتگو آمده است ارزیابی اهداف و دستاوردهای جنبش مشروطیت و روند شکل‌گیری نهادهایی که با این جنبش در ایران پا گرفتند، بحث پیرامون موضوع‌هایی که با ظهور تجدد در ایران مطرح شده‌اند، کشاکش سنت و مدرنیسم و انتقال نقد آمیز تجربه‌های فکری و فرهنگی ملل دیگر از اهداف این فصلنامه می‌باشند.

هر شماره گفتگو به موضوع ویژه‌ای اختصاص خواهد یافت. موضوع ویژه شماره نخست جامعه مدنی میباشد و مقالاتی همچون سازماندهی اجتماعی و برنامه خصوصی سازی (میراث ثقفی)، گستره‌ی همگامی در نگرش انتقاد هابرماس (بابک احمدی)، سیر تکوین فلسفی مفهوم جامعه مدنی (رامین جهانگیرلو)، مشارکت عمومی (فیروزه میرمطهری) و... در آن به چاپ رسیده‌اند. آدرس چشم انداز به فرارزیر است:

تهران صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۴۸۸

دوازدهمین شماره گاهنامه چشم انداز اخیراً در پاریس منتشر گردید. چشم انداز که به کوشش ناصر با کدامن و محسن یلفانی انتشار می‌یابد در این شماره خود به بررسی تطبیقی نسخه اصلی کتاب بوف کور اثر صادق هدایت با نسخه‌ای که اخیراً در ایران منتشر شده می‌پردازد و بلایی که سانسور جمهوری اسلامی بر سر این کتاب آورده را فاش و بر ملا می‌سازد. میراث شوم عنوان نامه‌ای است که از تهران برای چشم انداز ارسال شده و به بررسی انگیزه‌های رهبران جمهوری اسلامی در طرح "تهاجم فرهنگی" می‌پردازد. مقاله‌ای از رامش دوستدار با عنوان "دانش چیست" روال علمی کدامت، یک داستان کوتاه از نسیم خاکسار، نمایشنامه‌ای از محسن یلفانی و... دیگر مضامین چشم انداز را تشکیل می‌دهند. با گاهنامه چشم انداز به آدرس زیر می‌توان تماس گرفت:

cesmandaz

no12Automne1993
ISSN0986-7856

سه نوع تلفیق از کانون و اهداف آن مواجهیم... گروه اول کانون را نهادی صرفاً صنفی می‌دیدند. سابقاً آن هم تا آنجایی که به یاد دارم به سال طوفانی ۵۶ می‌کشد... در آن سالها وقتی تعداد بسیاری از نویسندگان ممنوع القلم بودند و حتی کلماتی ممنوع بود، طرح این مدعا به شکست انجامید... حقیقت این است که ضرورت تعهد به آزادی قلم و بیان مانع آن است تا اهل قلم مثل دیگر اصناف بتوانند از مراهب اتحادیه‌ای بی‌رنگ و بی‌بو برخوردار شوند.

گروه دوم کسانی بودند که کانون را نهادی سیاسی می‌دیدند و اگر هم از صنف یا اتحادیه اهل قلم حرف می‌زدند تنها پوششی بود برای اهداف سیاسی... برای گروه سوم کانون نهادی صنفی-سیاسی است، صنفی است برای رسیدگی به معضلات اعضای این صنف، نظیر همه اتحادیه‌های صنفی دیگر؛ سیاسی است به لحاظ این نکته اساسی که بدون وجود آزادی قلم و بیان کسی نمی‌تواند بنویسد، تا نویسنده باشد و مثلاً کانونی از جمع امثال او شکل بگیرد... صنفی دیدن صرف کانون و یا سیاسی خواندن آن دو دخالت دادنش در همه جلوه‌های یک جامعه افراط و تفریطی است که ما را به هیچ جانی نکشاند...

تجربه همین سالها نشان می‌دهد که در فقدان نهادهایی چون اتحادیه معلمان و یا کانون و کلا و غیره مردم ما چه تاوانی را باید بپردازند... ورشکستگی ناشران، وضعیت اسفبار سینما و نمی‌دانم هزار درد بی‌درمان دیگر نشان می‌دهد که ما مردم بی‌هیچ تجهیزی به ندیای بی‌رحم سرمایه‌داری آن هم از نوع آمریکایی دچار شده ایم و اصلاح این وضع بدون تأسیس نهادی ترمزکننده و اصلاح‌کننده ممکن نیست... پس تشکیل و تداوم کار کانون نویسندگان ایران در گرو وجود نهادهایی همسان است و گرنه کانونی خواهیم داشت شبیه همان بلبل جالیز کمبوزه که البته هیچ دولتی در هیچ دوره‌ای مخالف حضور آن نبوده و نخواهد بود... (هوشنگ گلشیری گردون ۲۹-۳۰ ص ۲۹ و ۲۸)

شدت بحران کنونی که اکنون اقتصاد کشور را فرا گرفته، بر کسی پوشیده نیست. هر چند مقامات رده بالای حکومتی همچنان سعی در لاپوشانی ابعاد این بحران و به سامان جلوه دادن امور دارند، اما اقتصاد کشور روز بروز بیشتر به کام هرج و مرج می‌رود و آینده‌ی نگران‌کننده‌ای پیش رو دارد. ما در مقالات شماره‌های پیشین کار به جوانب مثبتی از موجبات بحران کنونی پرداخته‌ایم. مقاله زیر نیز کوششی است در ریشه‌یابی بحران اقتصاد کشور که در نهمین شماره نشریه "ایران فردا" نقل شده است. نشریه "ایران فردا" به مدیریت مهندس عزت‌اله سبحانی در ایران چاپ و منتشر می‌شود.

ریشه‌های بحران اقتصادی کنونی

محمدحسین کوچک علی‌زاده

ایران فردا - شماره ۹

جو گویی که وام خرد تو ختم
همه هر چه بایستم آموختم
یکی نغز بازی کند روزگار
کس بشاندت پیش آموگار
(فردوسی)

۱ - گرچه حکمای سلف گفته‌اند که «شناخت درد نیمی از درمان است»، اما پیداست که اعلام درد نیز به همان اندازه اهمیت دارد. واقعیت این است که اقتصاد ایران در حال حاضر شرایط بحرانی و سرنوشت‌سازی را از سر می‌گذراند. گذر از این شرایط، بدون هماهنگی و همکاری مستمر آحاد مردم میسر نیست و اگر هم باشد، حتماً با پیامدهای اجتماعی دردناک همراه است. البته هماهنگی و همکاری عمومی تنها زمانی ممکن خواهد بود که اصل درد برای مردم تشریح شود و مردم از محتوای واقعی جریانات مطلع باشند. در آستانه قرن بیست و یکم، تصور اینکه بتوان حتی پادگانی را بدون اطلاع سربازان آن از اوضاع اداره کرد، ساده‌اندیشانه و غیر ممکن است.

۲ - اقتصاد کشور از نیمه سال ۱۳۷۱ وارد جدی‌ترین رکود دو دهه اخیر شده است. طی این رکود، تولید صنعتی کشور با آهنگی نسبتاً سریع و بویژه در بخش صنعت سنگین روبه کاهش گذاشت و این کاهش هنوز هم ادامه دارد؛ آهنگ رشد بخش خدمات ابتدا متوقف شد و سپس در بخشهایی چون حمل و نقل روند منفی به خود گرفت، و سرانجام در بخش کشاورزی با توجه به خصوصیات این بخش، آثار رکود - گرچه با اثراتی به مراتب کمتر و صرفاً به صورت کاهش نرخ رشد - نمایان شده است. به این ترتیب آهنگ رشد اقتصادی در سال ۱۳۷۱ به کاهش جدی دچار شد و پیش‌بینی می‌شود که تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۲، اگر منفی نباشد، رشد قابل ذکری را نیز نشان ندهد. از هم اکنون این اطمینان وجود دارد که رشد تولید ناخالص داخلی کشور در دوره ۷۲-۱۳۶۸ به هدف برنامه اول یعنی ۸ درصد نخواهد رسید.

علل رکود اقتصادی جاری، هرچه باشد باید به دو جنبه داخلی و خارجی تقسیم شود. تردیدی نیست که رکود اقتصادی فراگیر و کم سابقه کل جهان بویژه کشورهای صنعتی اثرات، مستقیم و غیرمستقیم خود را بر اقتصاد وابسته ایران به جا گذاشته است. این رکود که در نیمه دوم سال ۱۳۷۰ در ایالات متحده آغاز شد، از اواسط سال ۱۳۷۱ اروپا و ژاپن را نیز درنوردید و اکنون که آمریکا و انگلیس به آهستگی از اثرات آن سر برمی‌آورند، در اروپا و ژاپن به نقطه اوج خود رسیده است. پیش‌بینی‌ها نیز حاکی است که دست‌کم تا سال ۱۹۹۵-۱۳۷۴ شمی - آمیدی به رفع رکود جهانی نخواهد بود.

با این همه، انداختن همه تقصیرها به گردن رکود جهانی، به هر کاری بیاید، به کار حل بحران کنونی نخواهد آمد. مسئله اینجاست که اولاً هر اقتصاد بویژه اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و کارکرد آزادانه سرمایه، رکود را همچون رونق در بطن و ذات خود داراست. این خصالت در مورد اقتصادهای در حال توسعه حتی تشدید نیز می‌شود. بنابراین نه نیازی به شرمندگی است، و نه - به تبع آن - نیازی به پرده‌پوشی و عادی جلوه دادن وقایع (چنان که اکنون مناسفانه مقامات بانک مرکزی با خیال راحت چنین می‌کنند؛ زیرا این عمل خطرناک که مناسفانه گویی در میان حکومتگران ایران به لحاظ تاریخی به سنت تبدیل شده، اوضاع را زمانی و در شرایطی به مرحله انفجار می‌رساند که دیگر هم بسیار دیر است، و هم ابعاد خسارت - آن ناپیداست.

البته در این میان اثرات سؤندیرها و پاره‌های سیاست‌گذاریهای نادرست از سوی برخی مقامات اقتصادی و عمدتاً بانک مرکزی قابل چشم‌پوشی نیست. برای بررسی آنچه که گذشته است، باید از سال ۱۳۶۸ یعنی سال آغاز سیاستهای جدید اقتصادی دولت آغاز کنیم.

۱۳۵۰ عمیقاً به دلارهای نفتی وابسته شده و کارکرد و بازده آن همواره تابعی از میزان فروش نفت و درآمدهای نفتی کشور بوده است.

اما اتفاقی که در سال ۱۳۶۹ رخ داد، حتی بر این پایه نیز پیش نرفت. در این سال، شاید برای نخستین بار در تاریخ اقتصاد نوین ایران، سازوکار چرخ اقتصادی کشور نه بر پایه دلار نفتی، بلکه علاوه بر آن و مهمتر از آن، بر پایه دلارهای قرضی نهاده شد؛ دلارهایی که با بهره سنگین از منابع غربی - تحت عناوینی چون یوزانس، اعتبار، پیش‌فروش، بیع متقابل، ... - قرض گرفته و به پیکره اقتصاد تزریق گردید. نتیجه آن که، با وجود افزایش صدور و قیمت جهانی نفت خام و رسیدن ارزش کل صادرات کشور به ۱۸/۸ میلیارد دلار در سال ۶۹ و ۱۸/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰، وادرات گمرکی کشور با ارقام نجومی به بیش از ۱۸/۷ میلیارد دلار در سال ۶۹ و ۲۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ رسید. به این ترتیب، تنها در سال ۱۳۷۰ ارزش واردات کشور ۱۰ میلیارد دلار بیشتر از ارزش صادرات بود؛ یعنی معادل کل رقم صادرات کشور در سال ۱۳۶۷.

برای درک صحیح‌تر آنچه که واقعا اتفاق افتاد و نیز پیامدهای آن، بد نیست به گزارش عملکرد رسمی دولت طی دوره ۷۱-۱۳۶۸ استناد کنیم: ... به دلیل واردات بسیار زیاد طی سالهای ۱۳۶۹ - ۷۰، تراز بازرگانی خارجی به میزان قابل توجهی منفی شده است. استفاده از اعتبارات خارجی برای پروژه‌های مهم سرمایه‌گذاری نیز باعث پیدا شدن تعهدات جدید شد. جمع این دو رقم منفی، تعهدات ارزی ما را به بیش از ۳۰ میلیارد دلار افزایش داد که طبق قانون بودجه سال ۱۳۷۲ باید طی چند سال با صرفه‌جوییهای خاص بازپرداخت شود.

زمانی در اوج طرح بحران بدهی کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ میلادی، همواره پیرامون عملکرد کشورهای چون مکزیک و برزیل این تعجب و پرسش وجود داشت که «چگونه می‌توان طی یکی - دو دهه کشوری را به یک بدهکار بزرگ تبدیل کرد؟». اکنون تعجب از این است که سیاستهای بانک مرکزی چگونه توانست ظرف یکی - دو سال چنین شرایطی را برای ایران پدید آورد در واقع، ریخت و پاش و اسراف هم حدنهایی و ظرفیتی دارد.

البته استراتژی‌ای که بانک مرکزی اتخاذ کرده، یک سه‌پایه هم نبوده است. از جمله، صدور مجوز برای اخذ اعتبارات سنگین خارجی بر مبنای توجیهی صورت گرفت که بسیار ساده و روشن به نظر می‌رسد و در کشورهای آمریکای لاتین نیز بر همین اساس وام خارجی اخذ شده است؛ با استفاده از اعتبارات خارجی، می‌توان صنایعی را ایجاد کرد که صرفه‌جویی ناشی از حذف واردات یا اضافه شدن درآمد صادرات آن، به مصرف بازپرداخت آن اعتبارات می‌رسد.

با این همه، در عمل پاره‌ای اتفاقات که از قضا تکرار تاریخ اقتصادی آمریکای لاتین بود و از همان ابتدا هم به روشنی کارکرد این استدلال را تیره و بی‌پایه می‌ساخت، مانع از تحقق برنامه‌ها شد. در وهله نخست، بسیاری از اعتبارات و در واقع بخش اعظم آن به امور مصرفی صرف و نه تولید و سرمایه‌گذاری اختصاص یافت. صدها میلیون دلار به واردات انواع خودروی سواری لوکس و سایر کالاهای تجملاتی حتی مانند نوشابه و کاکائو و میوه‌های گرمسیری داده شد. حتی اگر قرار بود این اعتبارات به واردات کالاهای مصرف اساسی اختصاص یابد، باز هم تخصیص درستی نبود.

در وهله دوم، تصور بر این بود که پروژه‌های صنعتی به موقع به بهره‌برداری خواهد رسید و درست از همان ابتدا صادرات فرآورده‌های آن با سودآوری بالا آغاز خواهد شد. این تصور، در بهترین شکل خود، تصویری ساده‌لوحانه و ناشی از عدم شناخت ماهیت عملیات اقتصادی در ایران است؛ گرچه قبلاً معلوم شده بود که در آمریکای لاتین نیز چنین خیالی باطل است. در حالی که بخش اعظم پروژه‌های صنعتی کشور، در طول تاریخ این سرزمین بارها به تعویق افتاده و اگر هم سرانجام پس از سالها تأخیر به بهره‌برداری رسیده بعضاً هرگز سودآوری را تجربه نکرده است، چگونه می‌توان بر پایه یک تصور شکست خورده در سطح جهان، بدهی سرانه هر یک از آحاد یک ملت ۶۰ میلیون نقری را به ۵۰۰ تا ۶۰۰ دلار رساند؟

در وهله سوم و چنان که در قانون برنامه اول تصریح شده پیش‌بینی شده بود که قیمت جهانی نفت خام طی یک دوره ۵ ساله به میزان قابل توجهی (۶ تا ۸ دلار برای هر بشکه) افزایش خواهد یافت. بر مبنای همین پیش‌بینی و افزایش درآمدهای ارزی کشور، سیل واردات انواع کالا به داخل سرازیر شد. اما عملاً نه تنها چنین نشد؛ بلکه به جز دوره‌های کوتاه در طول جنگ خلیج فارس، قیمت نفت خام حتی دچار کاهش نیز شد نتیجه آنکه اکنون نفت خام

ایران به قیمت حدود ۱۴/۵ دلار برای هر بشکه به فروش می‌رسد و هیچ تضمینی برای کاهش بیشتر قیمت آن وجود ندارد.

می‌توان گفت که استدلال افزایش قیمت جهانی نفت خام نیز تصویری ساده‌لوحانه بود؛ چنان که اکنون نیز وزارت نفت بیهوده می‌کوشد برنامه‌ریزان اقتصادی کشور را به این خطای مهلک بکشاند که قیمت نفت خام حتماً از سال ۲۰۰۰ میلادی افزایش خواهد یافت. ذخیره نفت خام استراتژیک جهان صنعتی غرب حدود ۵ میلیارد بشکه است و این یعنی ۲۰۰ روز کل ظرفیت تولیدی - نه صادراتی - اوپک حتی با احتساب کشورهای چون شیخ منطقه خلیج فارس و رژیم‌هایشان. در عین حال اکنون ایران، عربستان، کویت، امارات عربی متحده، روسیه، قزاقستان، و بی‌اغراق یک دوجین کشور نفتی و همین تعداد کشور غیر نفتی دیگر، در حال سرمایه‌گذاری جمعی چند صد میلیارد دلاری بر صنایع نفتی هستند و هیچ چشم‌اندازی برای افزایش شدید و یکباره بهای نفت خام (در حد بشکه‌ای ۳۰ تا ۵۰ دلار) طی ۱۰ سال آینده وجود ندارد. در حالی که کویت با نیمه ظرفیت خود تولید می‌کند و عراق با توان صادراتی روزانه دو میلیون بشکه هنوز خارج از گود تولید است.

از همه بدتر، اتفاقی بود که در بخش صنعت، بویژه صنعت سنگین رخ داد. در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ میلاردها دلار یوزانس با بهره‌ها و حق بیمه‌های سنگین به واردات مواد اولیه و قطعات منفصله مورد نیاز صنایع اختصاص یافت. جمع بهره و سود این اعتبارات بین ۱۲ تا ۲۰ درصد در سال بود. اما این صنایع در حالی کف کارخانه و انبار مواد و انبار محصولات خود را از کالای به این گرانی انباشتند که به علل گوناگون حتی اکنون یعنی در نیمه سال ۱۳۷۲ نیز بخش مهمی از آن فروخته نشده است. به این ترتیب، قیمت این کالاها بعضاً برای اقتصاد ملی تا دو برابر و حتی بیشتر نیز تمام شده است؛ تازه اگر رکود بگذارد که این کالاها فروخته شود.

علت این عارضه نیز روشن بود. تصور باز هم ساده‌لوحانه این بود که مشکلات صنعت، تنها مواد اولیه است؛ اما در عمل تنگناها و گلوگاههای تولید بسیار بیشتر از حد قابل انتظار نشان داد؛ مسئله نیروی انسانی فاقد آموزش، فقدان زیرساخت مناسب از جمله جاده و بندر و ناوگان ترابری و...، مدیریت ناکارآمد... مضافاً اینکه رکود سال ۱۳۷۱ نیز مزید بر علت شد و تک نرخی شدن ارز همراه با فقدان نقدینگی و رها شدن بازار مصرف به دست واردکنندگان بی‌شمار، صنایع را یکباره به خاک سیاه نشاند.

در کنار همه این اتفاقات، از همان نیمه سال ۱۳۶۹، دولت سیاست پولی انقباضی و جمع‌آوری نقدینگی را همراه با کاهش سهم پول در ترکیب نقدینگی، به شدت دنبال می‌کرد. علت این سیاست هم روشن بود؛ با تزریق این همه پول و کالا و دلار قرضی به جامعه، بدون در پیش گرفتن یک سیاست انقباضی، نرخ تورم از کنترل خارج شده و پیامدهای وخیمی در بعد اجتماعی و سیاسی به همراه دارد.

به علاوه، سیاست جمع‌آوری نقدینگی که اصلی‌ترین ابزار آن بیرون آوردن دلار نفتی و قرضی از سیستم دولتی و فروش آن در بازار آزاد بود، هدف دیگری نیز داشت: خلاف نص صریح برنامه پنج ساله اول، حجم دولت و به تبع آن هزینه‌هایش - بویژه هزینه‌های جاری - روزبه‌روز به جای کاهش افزایش یافت و دولت برای جبران این هزینه، جز فروش دلار به قیمت آزاد و نیز افزایش بهای خدمات دولتی، چاره‌ای نداشت؛ زیرا اعلام کسری بودجه حتماً باید با چاپ اسکناس بی‌پشتوانه - حتی بسیار بیشتر از صدها میلیارد ریالی که دولت سالانه چاپ می‌کرد - همراه می‌بود و این علاوه بر پیامدهای تورمی، به وجهه دولت که بر کاهش و سپس فقدان رسمی کسری بودجه مانور سیاسی می‌کرد، لطمه می‌زد.

به موازات این آشفته بازار بی دروپیکر، چنان موج گسترده‌ای از واردات انبوه انواع کالاها به دلار رقابتی - و البته عمدتاً قرضی - به راه افتاد که برای نخستین بار در تاریخ اقتصاد ایران، حجم واردات کشور رکود سال ۱۳۶۲ را پشت سر گذاشت و به حدود ۲۹ میلیون تن در سال ۱۳۷۰ رسید. به عبارت دیگر، در سال ۱۳۷۰ برای هر ایرانی به طور متوسط ۵۰۰ کیلوگرم کالا وارد کشور شد، طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۹ جمعاً بیش از ۷۰ میلیون تن کالا به کشور وارد شده است. نتیجه آنکه، ناوگان ترابری کشور نیز حتی از انتقال این کوه کالا به داخل کشور عاجز ماند و پدیده «دمورانه» جنبه‌های دیگر از مشکل مدیریتی کشور را به نمایش گذاشت.

در پی این حجم واردات، طبعاً تولیدات داخلی به آستانه ورشکستگی کامل کشانده شد و هنوز هم از بحران آن بیرون نیامده و در آن دست و پا می‌زند. به این ترتیب، با تعرفه‌های گمرکی که ایران را تماماً به «بندر» ادامه در صفحه ۸

پرده مخملی فرمز فرهنگ جانشین پرده آهنین می شود

مصاحبه روزنامه آلمانی "فرانکفورتر روند شاو" با پرفسور "ساموئل پ. هانتینگن"

بدنبال فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و پایان دوران جنگ سرد، نظریه های مختلفی برای توضیح و تبیین جهان آینده ارائه داده می شود. جایگزین کردن برخورد فرهنگی به جای برخورد ایدئولوژیک یکی از این نظریه هاست. پرفسور علوم سیاسی دانشگاه هاروارد بنام "ساموئل پ. هانتینگن" که یکی از معروفترین نظریه پردازان دوران جنگ سرد بود، اکنون از مدافعان و پروردگان نظریه "فرانکفورتر روند شاو" در تاریخ ۱۹۸۴ مصاحبه ای با "هان تینگن" را پیرامون نظریه برخورد فرهنگی به چاپ رسانده است. ترجمه این مصاحبه را که مقداری کوتاه شده است به منظور آشنایی بیشتر با نظریه فوق می خوانید.

لازم به توضیح است که هانتینگن که یکی از همکاران جیمی کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا در کاخ سفید بوده و اکنون نیز یکی از استراتژیست های واشنگتن می باشد. دیدگاهی است که نظریات اوست و سوی دفاع از منافع آمریکایی و از جمله برتری بخشیدن به "فرهنگ آمریکایی" در آنچه وی برخورد فرهنگ ها می نامد، را دارد.

س- زمانی که دیگر ناظران عصر حاضر گمان می کنند پایان تاریخ و بازگشت به دولت ملی و یا حتی دشمنی های قبیله ای را شناخته باشند، شما مسئله را بکلی طور دیگری می بینید. شما می نویسید: برخورد فرهنگ ها تعیین کننده سیاست جهانی است. جدایی های بزرگ در میان بشریت از این به بعد نه از جنبه اقتصادی و یا ایدئولوژیک بلکه از جنبه فرهنگی خواهد بود. چگونه به چنین نظریه ای رسیدید؟

ج- ما در سر آغاز عصر جدیدی قرار گرفته ایم. فرانسیس فوکویاما از پایان تاریخ صحبت کرده است، اما منظور او در واقع پایان ایدئولوژی می باشد. و این واقعیتی است. دوره اختلافات ایدئولوژیک فعلاً به پایان رسیده است. ما می بینیم که چگونه دولت ملی از هر طرفی مورد حمله قرار می گیرد: از یک طرف توسط سازمان های بین المللی و منطقه ای و از طرف دیگر با شدت بیشتری توسط اقلیت های مسئول و متحد در داخل جوامع مان.

من فرض را بر این گذاشته ام که با رشد تأثیر متقابل بین فرهنگ های مختلف، خطوط اختلافات در جهان جدید مان همانا خطوط جدایی بین فرهنگ های گوناگون خواهد بود. طبیعی است که اختلاف ها هم چنان در داخل فرهنگها وجود خواهد داشت. اختلافات بین فرهنگها و دولت های ملی و اقلیت های قومی متعلق به فرهنگ های مختلف در آینده همان نظریه مسلط خواهد بود، همان نظریه که در چهل سال گذشته رقابت بین آمریکا و شوروی مابین دمکرات های لیبرال و کمونیست ها تسلط بوده است.

س- آیا ما شاهد یک مکانیزم شگفت و غیر عادی حرکت به سوی جدایی خلق ها با توجه به بیشتر شدن ارتباطات نیستیم؟

ج- هر قدر که رابطه برای بهتر کردن شکل و شیوه ارتباطات بیشتر می شود به همان نسبت هم کشش برای گسترش دادن به هویتمان بیشتر می شود. آن وقت نسان ها به خود نه بعنوان شهروند یک کشور بلکه بعنوان جزئی از یک فرهنگ نگاه می کنند. به همان نسبتی که فرقی بین هلندی، بلژیکی و آلمانی کمتر می شود به همان نسبت هم فرقی بین اروپایی و دیگران بیشتر می شود.

جنگ دریوگسلاوی در سطح یک منطقه می باشد.

ما گروه های مختلف آنچه هر کد انسان خود را متعلق به فرهنگ متفاوتی می دانند. صربها در ارتباط با روسها و مسلمانان بوسنی در ارتباط با کشورهای اسلامی می باشند. در قفقاز آذربایجانی ها توسط ترکیه و ارمنی ها وسط روسیه حمایت می شوند. در دوران جنگ سرد ترس با وقوع جنگ های نیابتی ناشی از اختلافات بین بر قدرت ها بود. در آینده با یستی که ترس ما از تبدیل شدن اختلافات نسبتاً کوچک بین گروه هایی از فرهنگ های مختلف به اختلافات و نزاع های بزرگتری بین دولت ها و ملیت ها از فرهنگ های مختلف باشد.

در رابطه با مدرنیته شدن هم بسیاری از انسانها هات را ترک کرده و شکل و شیوه زندگی خود را تغییر داده و در نتیجه هویت سنتی و محلی خود را از دست می دهند. فعالین جنبش های بنیادگرا اغلب از اولین افراد یک خانواده هستند که برای اولین بار در مدارس عالی تحصیل کرده اند و در جستجوی هویت جدیدی می باشند. اسلام می تواند این را در اختیارشان گذارد. شبیه این را هم چنین می توان در کره جنوبی مشاهده کرد، جایی که مسیحیت در ده گذشته رشد یافته است. بیشتر از ۲۵٪ کره ای ها امروزه مسیحی هستند. اینها چگونه انسانهایی هستند؟ اینها همان گروهایی هستند که در کشورهای اسلامی بنیادگرا نده و محرکشان همان نیازهاست.

س- در رابطه با مسئله ای که مربوط به همزیستی

ج- در حال حاضر دارد دقیقاً همین اتفاق می افتد. در سال های گذشته دریوگسلاوی و شوروی ما شاهد از هم پاشی کشورهای بودیم که می خواسته اند به یک چنین مرزهای مربوط به فرهنگ خود دست یابند. و آن مرزهای جدیدی که در حال حاضر بنا می شوند با خط مرزهای بین مذاهب و فرهنگ های مختلف مطابقت دارند. ما شاهد این امر در قفقاز و آسیای مرکزی و یوگسلاوی هم هستیم.

س- آیا این بدین معنی است که مداخلات سیاسی برای حل اختلافات برای مثال در بوسنی ناموفق خواهد بود؟

ج- این مداخلات موفقیت چندانی نخواهد داشت. تقسیم کردن بوسنی در چهارچوب مذهب و فرهنگ از نظر من عاقلانه و حتی می توان گفت تنها راه حل می باشد.

س- شما در نظریه اتان از موفقیت جدید "غرب علیه جهان"، به شکلی که غرب جهت پیشبرد منافعی از سازمانهای بین المللی استفاده می کند صحبت کردید. این بدیده در جنگ خلیج فارس و کنفرانس حقوق بشر در وین قابل مشاهده بود. در وین بعضی ها مدعی بودند که گسترش مسئله حقوق بشر باعث پدید آمدن نوعی "امپریالیسم جدید" خواهد شد که ویژگی های فرهنگ های مختلف را در نظر نمی گیرد.

ج- برخورد های آشکاری بین معیارهای غربی و آسیایی وجود دارند و این را در هر کنفرانس آسیایی آمریکا، جایی که جهان بینی های مختلف ظاهر می شوند می توان مشاهده کرد.

موارد تا کید آسیایی ها بیگانگی، هیرارشی و یا تبعیت فرد می باشد. در صورتی که آمریکا می خواهد با تمامی حقوقش در مرتبه اول قرار می دهند. یک پلیس در سنگاپور اجازه دارد جلوی یک شهروند را برای آزمایش اعتیاد بگیرد. و اگر جواب مثبت باشد می تواند شهروند را در جابه مکان های ترک اعتیاد اجباری بفرستد. در آمریکا چنین چیزی قابل تصور نیست. ولی از طرف دیگر می توان در شب بدون اینکه کسی مزاحم آدم بشود و بدون ترس در خیابان های سنگاپور رفت و آمد کرد. این تفاوت ها نشان دهنده سیستم های ارزشی مختلف می باشد.

س- برای آشتی دادن فرهنگ های مختلف، غرب چه کاری می تواند انجام دهد؟

ج- در حال حاضر غرب در عرصه اقتصادی، نظامی و در سازمانهای بین المللی موقعیت برتری دارد. اما این وضعیت به همین شکل باقی نخواهد ماند. همه کشورهای غربی با انضمام روسیه در حال کاهش دادن قدرت نظامی خود هستند در صورتی که همه کشورهای آسیایی و اغلب کشورهای اسلامی قدرت نظامی خود را گسترش می دهند. بدین ترتیب تعادل قدرت نظامی جایجا می شود. به زودی و در نبردهای نیروی بزرگ اقتصادی در جهان آسیایی خواهند بود: ژاپن و چین. غرب با یستی که خود را با این جایجایی قدرت تطبیق دهد.

س- چگونه؟

ج- سعی کند تا رشد اقتصادی اش را تسریع دهد و کاهش دادن ظرفیت نظامی اش را هم آهسته کند. به علاوه این به نفع غرب است که با تأثیرات مخرب رشد دستگاه نظامی در کشورهای غیر غربی مبارزه کند. منظور من در اینجا بیشتر سلاح های غیر متعارف هسته ای می باشد.

س- آیا این تضاد نیست، زمانیکه شما از یک طرف در کوتاه مدت خواهان برتری نظامی غرب و دفاع مؤثر از منافع غرب هستید و از یک طرف دیگر دراز مدت از ضرورت فرهنگ های مختلف در کنار هم صحبت می کنید؟ آیا اینجا تفکر ایجاد دیوار حفاظتی برای غرب در برابر سایر فرهنگ ها تداعی نمی شود؟

ج- من از دیوار حفاظتی برای غرب صحبت نکرده ام، بلکه منظور من شرکت دادن کشورهای اروپای مرکزی و

آمریکای لاتین در سازمانهای بین المللی است. اینها کشورهای هستند که نسبت فرهنگی قوی با غرب دارند. گذشته از آن برای غرب مهم است که رابطه خوبی هم با روسیه و ژاپن داشته باشد. مشکل تنها زمانی بوجود خواهد آمد که بخوایم دست به سوی کشورهایمانند چین و کره شمالی و بعضی کشورهای اسلامی دراز بکنیم که رفتارشان درست برعکس ما غربی ها می باشد. در رابطه با حفظ قدرت و امنیت جهانی در هزاره بعدی چین تبدیل به بزرگترین رقیب خواهد شد.

چین در حال رشد دادن به اقتصاد و مدرنیته کردن قدرت نظامی اش می باشد و بیش از گذشته و با اطمینان بیشتری برای حفظ منافع خود وارد عرصه جهانی می شود و سعی اش بر آن است تا در آسیای شرقی تبدیل به قدرت برتر بشود. این امر می تواند در یک مرحله ای برای کشورهای دیگر و آمریکا به مشکلی تبدیل بشود. سه سال پیش تنگ شیائینگ احتمال از سر گرفته شدن جنگ سرد جدیدی مابین چین و آمریکا داد که علاوه بر اولیه اش را ما امروز می بینیم. رهبران خیلی از کشورهای اسلامی به غرب بعنوان دشمن نگاه می کنند و خیلی از روشنفکران اسلامی هم صحبت از اختلافات بین اسلام و مسیحیت که به قرن سیزدهم برمی گردد، می کنند.

س- اختلافات بین فرهنگ های مختلف در داخل جوامع اروپای غربی رو به افزایش گذاشته است.

ج- این مشکل در آلمان، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی در حال رشد می باشد. گرایش این کشورها برای جلوگیری از ورود مهاجرین و بستن مرزها در واقع علامت تا کید است بر نظر من در رابطه با اهمیت رشد تفاوت های فرهنگی، اگر چه که این تحولات در اروپا طبعاً دلایل اقتصادی هم دارند. اگر آلمان و فرانسه از رشد اقتصادی برخوردار می بودند مشکل به این صورت حاد نمیشد.

س- در آمریکا هم بعضی اقلیت ها در جستجوی فرهنگی جدا از فرهنگ آمریکایی می باشند. آیا این بدون درگیری امکان پذیر است؟

ج- آمریکا به خاطر افزایش مهاجرت در سالهای گذشته دارای اقلیت های متنوع زیادی می باشد. مهاجرین بیشتر از کشورهای آمریکا، چین، کارائیب و کشورهای آسیایی آمدند. از لحاظ تاریخی آمریکا کشوری که همیشه دارای یک فرهنگ اروپایی بوده است، می باشد. آمریکا خود را پیرو اصولی می شناسد که در بیانیه استقلال و در قانون اساسی درج شده اند، فرد باوری، دمکراسی و آزادی. مهاجران سال ۱۸۹۰ تنها یک آرزو داشتند: جذب و حل شدن در جامعه آمریکا. حالا بعضی از این گروه ها نمی خواهند که بیش از این در این پروسه شرکت کرده و می خواهند این پروسه را ترک کنند. این مسئله مهمی است. طبعاً اصل و نسب این اقلیت ها مثلاً ایرلندی ها و ایتالیایی ها همیشه نقشی در سیاست زندگی آمریکا داشته است. اما این موضوع هیچوقت تغییری در پایه های ارزش های سیاسی و سیستم سیاسی ما نداشته است. از یک طرف بعضی از این گروه ها این سیستم را رد می کنند و از طرف دیگر وطن پرست ترین آمریکایی ها را می توان در میان مهاجران پیدا کرد.

س- شما از معروف ترین روانشناس آمریکایی هاری تریاندس نقل کرده اید که گفته است، کشورهای غیر غربی اهمیتی برای آن ارزش هایی که در غرب خیلی معتبرند قائل نیستند.

ج- این بخشی از تأثیر متقابل مابین فرهنگ های مختلف است تا که چگونه این ارزش های مختلف را در کنار هم قرار دهند. واقعیت این است که بزودی روی کره ما می یابستی که ۱۲۵ میلیون چینی، ۱۲۳ میلیون ژاپنی، چند صد میلیون اروپای غربی، ۲۵۰ میلیون آمریکایی و یک میلیارد هندی زندگی کنند. بدین خاطر ما می یابستی سعی کنیم تا مشکلات مابین تمدن ها و فرهنگ های مختلف را در کنار هم و جایی برای تفاوت ها در نظر بگیریم و ارزش های مشترک را برجسته کنیم.

برگردان: عباس

ریشه های بحران اقتصادی کنونی

نیز کاهش یافت و استکف کشورهای غربی از تضمین اعتبارات یوزانی ایران نیز مزید بر علت شد. به این ترتیب، اکنون اقتصاد ایران مانده است با ۳۰ میلیارد دلار انواع بدهی و تهدد خارجی که سررسید ۵ میلیارد دلار آن گذشته است، رشد کاهنده تولید ناخالص داخلی که در بخشهایی چون نفت، صنعت، خدمات و مسکن روند منفی به خود گرفته یا می گیرد، بازار متقبض شده پولی که در صورت ادامه وضع کنونی به بحران می انجامد و در صورت تزیق نقدینگی، تورم ۲۰ درصدی را به ارقامی رکورد گونه در تاریخ اقتصاد ملی می رساند، بازار مصرف و سرمایه گذاری فلج شده، فقدان هرگونه اعتبار خارجی نزد طرفهای بازرگانی بین المللی، بیکاری فزاینده در اثر رکود در فعالیت تولیدی.... چه باید کرد؟

حال با وضعیت کنونی، برآستی چه باید کرد؟ مطمئناً

ادامه از صفحه ۷
آزاده تبدیل کرده است، استفاده از کالای مشابه خارجی به مراتب ارزاتر از کالای نسبتاً نامرغوب داخلی تمام می شود و این عارضه، صنعت ناتوان داخلی را فلج کرده است. حال این صنعت اکنون مانند شخصی است که از بدو تولد تا ۳۰ سالگی لحظه ای بر روی پای خود راه نرفته و از مادر به دور نبوده است و اکنون، در اوج عقب ماندگی، یکباره در میان جنگلی تاریک و خطرناک، تنها رها شده است.

مطلقاً بی انصافی است اگر با وجود این همه مشکلات غول آسا و نابسامانها و سؤتدبیرها، انتظار هیچگونه واکنشی را در اقتصاد ملی نداشته باشیم؛ بویژه به قول ظریفی، و با هر چه بتوان شوخی کرد، با اقتصاد نمی توان نتیجه طبیعی این ملغمه آشفته، در نیمه سال ۱۳۷۱ بیرون زد: رکود! طی این کورد و در کنار آن، درآمدهای نفتی

تذکر ضرور

۱- مقالات درج شده در صفحات دیدگاهها نیانگر نظریات نویسنده گان آنهاست که برای اطلاع خوانندگان نشریه از دیدگاههای مختلف درج می شود و موضع کار محاسب نمی آید.

۲- هیئت تحریریه کار از نویسندگان مقالات برای صفحات دیدگاهها درخواست می کند که مطلب خود را بگونه ای تنظیم کنند که حجم آن بیش از یک صفحه نشریه کار نباشد.

۳- نشریه کار در خلاصه کردن مقالات و نامه های دریافتی مجاز است.

لایه حیاتی اوزون در اتمسفر

چند سال است که در مطبوعات و رسانه های گروهی کشورهای پیشرفته در مورد "سوراخ اوزون" و خطرات ناشی از آن بحث و گفتگو می شود. مقاله زیر که توسط یکی از همکاران نشریه "کار تهیه شده، اهمیت "لایه اوزون"، دلایل آسیب دیدن آن و خطرات ناشی از این موضوع را تشریح کرده است.

نشریه "کار آماده است تا مقاله ای را که در ارتباط با مسائل مربوط به محیط زیست و خطرات ناشی از تخریب آن دریافت می کند، جهت آشنایی بیشتر خوانندگان خود به چاپ برساند.

وجود زندگی بر روی کره زمین مشروط به تعادل در یک سری فاکتورهای طبیعی مهمی است که وجود لایه حیاتی اوزون (O₃) در اتمسفر یکی از آنهاست.

اوزون یک نوع گاز اکسیژن می باشد که مولکولهای آن بجای ۲ اتم اکسیژن (O₂) دارای ۳ اتم اکسیژن (O₃) می باشد. بخشی از این گاز در اثر ترکیبات پیچیده در نزدیکی زمین و بخش دیگر آن در ارتفاع بالا تری از سطح زمین بوجود می آید.

فروتنها نام مشترک یک نوع مواد مصنوعی دارای گازهای کلر، فلوئور، کربن می باشد و با علامت اختصاری شیمیایی CFC مشخص می شوند. این گازها از حساس ترین گازهایی هستند که با آزاد شدن آنها تعادل بین اتمسفر و زندگی انسانها بر روی کره زمین بهم می خورد. این گازها موجب صدمه دیدن آن لایه حیاتی اوزون در اتمسفر می باشند که انسانها، حیوانات و گیاهان را در برابر اشعه های ماورای بنفش که از خورشید تولید می شود محافظت می نماید. ناگفته نماند برخی از فروتنها در ترکیبشان بجای کلر (Cl) ایزوم (Br) استفاده شده است و با اسم هالونها شناخته می شوند که اینها نیز همان نقش صدمه رسانی به اوزون (اوزون خوری) را دارند.

خورشید فروزان غیر از امواج روشنایی، اشعه های بی موج کوتاه و لایه غیر قابل رویت (اشعه ماورای بنفش و اشعه گاما) و اشعه های بی موج بلند (امواج رادیویی و امواج گرمایی) هم به زمین می فرستد. البته خوش بختانه هم اشعه گاما و هم مقدار قابل توجهی از اشعه های ماورای بنفش توسط لایه اوزون متوقف می شود و هرگز به زمین نمی رسد.

البته گازهای مختلفی وجود دارند که به لایه اوزون را آسیب می رسانند ولی فروتنها از مهمترین آنها می باشد. با استعمال روز افزون این گازها و گسترش موارد استعمال و استفاده، مقدار آزاد شدن این گازها در طبیعت روز به روز افزایش می یابد و به همان اندازه خطرات هم جدی تر می شود.

موارد استعمال فروتنها در صنعت گوناگون می باشد. از جمله می توان استفاده از فروتنها برای باد کردن در پلاستیک سازی، تولید سرما در یخچال و فریزر، پاک کردن شیمیایی، تمیز کردن وسایل الکترونیکی و برای تولید فشار در قوطی های اسپری و از هالونها در بعضی از کپسولهای آتش نشانی نام برد. کارشناسان محیط زیست نازک شدن لایه اوزون را در منطقه قطب جنوب نشان داده اند. در این منطقه به اصطلاح سوراخ اوزون درست شده است، طوری که در برخی از ایام سال بویژه در بهار نصف مقدار اوزون وجود دارد. محققین مشغول مطالعه نظریه ای هستند که بر این اساس یک سوراخ هم در شمال اروپا در حال بوجود آمدن است. تا حدودی نازک شدن لایه اوزون در این منطقه دیده شده است البته بصورت عمومی در تمام کره زمین نازک شدن این لایه تشخیص داده شده است.

از آنجایی که فروتنها مواد شیمیایی ثابت می باشند و به آسانی در اتمسفر ترکیب یا حل نمی شوند می توانند در سال در اتمسفر بمانند و به صورت تدریجی به بالا صعود کنند. هنگامی که این گازها به لایه اوزون می رسند تجزیه شده و گاز کلر از آنها آزاد می شود. این تجزیه به دلیل تراکم وجود اشعه ماورای بنفش می باشد. در اثر این تجزیه مولکولهای لایه اوزون نابود می شوند. برای مثال فقط یک اتم کلر می تواند تا ۱۰۰۰۰ مولکول اوزون را نابود کرده یا از بین ببرد تا قبل از اینکه یک ترکیب شیمیایی کم خطر درست شود.

ناید و نمی توان به صرف اینکه شاید حتی دیر هم شده باشد، بی اعتنا به گوشه ای خزید و شاهد شتاب گرفتن سیر و سیل حوادث به جانبی شد که احتمالاً هیچکس خواهان دیدن آن نیست.

۱- پیش از هر چیز، باید حقیقت و تمام آن - را به مردم گفت. هر چه گردانندگان سیاستهای جاری اقتصادی حقایق را بیشتر از مردم مخفی کنند، فرصت و جسارت روبرو شدن با واقعیات سریعتر از دست می رود. ضمناً اظهاراتی مانند اینکه به گفته رئیس کل بانک مرکزی "رکودی در کار نیست" و "وضع فعلی صرفاً کاهش رشد است" یا به گفته وزیر اقتصاد و دارایی "تنها بازار فروشنده به بازار خریدار تبدیل شده،" گرچه ممکن است به درد خبرنگاران جراید بخورد، اما در عین حال تداعی کننده داستان آن پادشاه افسانه ای است که به امواج

کارشناسان بر آورد کرده اند که نازک شدن لایه اوزون بمقدار یک درصد موجب افزایش سه درصدی تعداد بیماری های چشمی، سرطان پوست و دیگر سرطانها و ضعیف شدن عمومی بدن انسان ها در مقابل بویژه بیماری های عفونی خواهد شد. به اینها تا نیری که افزایش اشعه ماورای بنفش که بر کوسستم طبیعی و محدود کردن نسل و نوع جانداران هم خواهد داشت اضافه می شود.

چونکه فاصله زمانی بین آزاد شدن فروتنها در زمین و رسیدن آن به اتمسفر و صدمه زدن به لایه اوزون طولانی می باشد لذا تا نیر آزاد شدن گازهای فروتنی که امروز آزاد می شوند راه به زودی نمی بینیم. آنچه امروز قابل مشاهده است تا نیر اندک گازهایی است که در گذشته آزاد شده است و بمراتب از مقدار استفاده امروزی کمتر می باشد.

بعد از جنگ جهانی دوم مقدار مصرف انرژی در جهان افزایش سرسام آوری یافت. بخش اصلی این انرژی از طریق استفاده نفت و زغال تأمین می شود. این مواد به هنگام احتراق تولید گوگرد دی اکسید کربن می نمایند چیزی که گیاهان به هنگام فتوسنتز احتیاج دارند. ولی اکنون مقدار این گازها در اتمسفر افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کرده است و به اصطلاح اثر گلخانه ای بوجود آمده است، که در اثر آن، گرما در ارتفاع نزدیک نسبت به زمین جمع می شود و این باعث تغییر هوای می گردد، در حالی که اشعه ها همچنان می توانند از آن عبور کنند. گازهای فروتن خود عاملی برای پدید آمدن اثر گلخانه ای می باشند ولی دی اکسید کربن عامل اصلی است. متأسفانه امروزه هیچ متدی برای پاکسازی دی اکسید کربن در بالای سطح زمین وجود ندارد، تنها طریق کاهش استفاده از نفت و زغال به عنوان منابع تولید انرژی می باشد. اثر گلخانه ای باعث خواهد شد که در حدود سال ۲۰۰۰ دمای متوسط روی زمین چهار درجه از امروز بیشتر شود. این تا نیر شاید برای برخی از کشورهای سردسیر مطلوب باشد ولی در جاهای دیگر باعث گسترش صحراها و بالا رفتن سطح آب دریاها خواهد شد که بنوبه خود تا نیر زیان آوری بر کشاورزی و افزایش تعداد سیل های ویرانگر در کشورهای پر جمعیت جنوب خواهد داشت. البته پیشگویی میزان این خسارات احتمالی مشکل است ولی به جرئت می توان گفت که در ۵۰ سال آینده با افزایش آزاد شدن فروتنها و دی اکسید کربن، زندگی بر روی کره زمین در وضعیت بسیار گوناگون با امروز خواهد بود.

بانگهی مسئولانه به این واقعیتها معلوم می شود که برای کنترل صدماتی که زندگی مدرن انسانها به طبیعت وارد می کند، سزاد بیش از پیش همکاری بین المللی اهمیت کلیدی دارد. در چند سال گذشته مسئله محیط زیست بویژه در اروپا مورد توجه محافل سیاسی و توده های مردم قرار گرفته است و احزاب طرفدار محیط زیست در برخی از کشورهای اروپایی بعنوان مدافعان محیط زیست برای ورود به پارلمان ها رای آورده اند. ولی هنوز مسائل محیط زیست توجه درخور خود را نیاخته است. برای کنترل خسارات بر محیط زیست ضروری است که در کشورهای مختلف مقررات و قوانین جدی و سخت تری از جمله مالیات و جریمه وضع شود که بویژه کارگاه ها و صنایع حد اکثر تلاش را برای کاهش خسارات به محیط زیست بعمل آورند. این اقدامات می بایست همزمان باشد با تلاش و سرمایه گذاری برای یافتن منابع جدید و استفاده از منابع انرژی کم ضرر مثل انرژی باد، انرژی آبی و غیره.

در رابطه با گاز فروتنها ۳۰ کشور جهان به توافق رسیده اند که سطح تولید آن را تا سال ۱۹۹۹ به نصف مقدار امروز کاهش دهند. در سرتیله به توجیه بیشتر به مسائل محیط زیست قرار است تا سال ۱۹۹۴ تولید این گازها بطور کلی در صنایع متوقف شود.

جان کلام: بشریت نیازمند اقدامات مسئولانه عاجل و فرامیلتی برای بقاء زندگی بر روی کره زمین است. امروز هم شناخت خطرات و هم امکانات مهار آن وجود دارد. فردا شاید خیلی دیر باشد.

در یاد دستور عقب نشینی می داد نگفتم حقیقت به مردم در شرایط کنونی، به منزله تنها و بی دفاع رها ساختن آنان در برابر غولی آدمخوار است که خود مسئول آزاد کردن آن نبوده اند.

۲- پیرو اعلام مشکل واقعی به مردم، بی تردید باید دعوتی عام از صاحب نظران فن و خبرگان صورت گیرد تا آنان پس از کارشناسی و بر مبنای مصالح ملی، بهترین راه خروج از بحران کنونی را بیابند و به اجرا بگذارند.

۳- در کوتاه مدت و به صورت مقطعی، به هر حال انجام بعضی سیاستها که بیش از هر چیز به شجاعت سیاسی نیاز دارند، ضروری به نظر می رسد. از جمله، پیداست که ادامه رکود فعلی، نه ممکن است و نه به صلاح ملت. در کوتاهترین زمان ممکن، با تزریق نقدینگی می توان به بازار تقاضا و مصرف شوک وارد کرد. این عمل مسلماً تبعات توری در پی دارد؛ اما اولاً رونق همراه با تورم از

توافقنامه فلسطین و اسرائیل و تاثیر آن در ایران

در ماه اکتبر سال گذشته سمیناری در پاریس با حضور برخی از شخصیتهای ایرانی پیرامون توافقنامه اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین برگزار شد. از جمله سخنرانان این سمینار آقای ماشاء الله رزمی عضو سازمان فدائیان خلق ایران ساکثرت بود، که نظرات خود را پیرامون این توافقنامه بیان داشت. وی متن سخنرانی خود را برای دفتر نشریه کارارسال داشت. با توجه به اینکه سرنوشت این توافقنامه کماکان مورد بحث و در مرکز توجه است، بخشهایی از سخنرانی آقای رزمی پیرامون این موضوع را در این شماره به آگاهی خوانندگان میرسانیم:

قبل از هر چیز باید به جب اسرائیل تبریک گفت که چنین گام بزرگی را برداشته، راست اسرائیل با طرح شعار اسرائیل بزرگ هرگز ظرفیت پذیرش این توافق تاریخی را نداشته است. واگردار انتخابات گذشته راست برنده شده بود امروز صحبتی از توافق نبود و معلوم نبود چند سال دیگر باید سپری شود تا فلسطینی ها و اسرائیلی ها دور میز توافق بنشینند. دست راستی های اسرائیل روزامضاء قرارداد را روز عزا و روز سیاه اعلام کردند و با این حرکت خود نشان دادند که با تحولات جهان، هماهنگ نیستند و طی سالهای اخیر تحول فکری لازم را پیدا نکرده اند.

الف: عواملی که منجر به امضاء قرارداد بین فلسطین و اسرائیل شد بشمارند که در رأس آنها باید از پایان یافتن جنگ سرد، تغییر تعادل قوا در خاور میانه بعد از جنگ خلیج فارس، رشد انتفاضیه و اعتراضات فلسطینی ها در درون اسرائیل و از طرف دیگر رشد سرمایه های اسرائیلی که در رویای تشکیل بازار مشترک اقتصادی در منطقه هستند و نیز تحولات سیاسی ایدئولوژیک در صفوف فلسطینی ها و علاوه بر اینها تمایل دولت آمریکا به حل مسئله فلسطین نام برد.

ب: وقتی از قرارداد ترک مخصوصه بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها صحبت می شود بی درنگ این سؤال به ذهن خطور می کند که: طراح این قرارداد کی بوده و نتیجه عمل بنفع کیست؟ قبلاً بگویم که من اعتقاد ندارم که آمریکا طراح این مسئله بوده و تا آنجا که از طریق مطبوعات می خوانیم و از آرا و یوتیوب می شنویم آمریکا در پایان کار از موضوع مطلع شده و اگر بیل کلنتون دوست عرفات را در دست رابین گذاشت بیشتر برای جبران عقب ماندن از واقعه ونوئی ژست آقا بالا سر گرفتن بود. طراح اصلی قضیه حزب کارگزاران اسرائیل بوده و نروژ نقش میانجی با ارزش را در نزد یک کردن طرفین به همد بگرداشت.

و اما آنچه به پیامد و نتایج این قرارداد مربوط می شود قطعاً نمی شود امروز حکم صادر کرد و گفت که نتیجه مطلوب بدست آمده بنظر من در این ماجرا برنده و بازنده در هر دو وجهی وجود دارد. با این قرارداد، رادیکالیسم، افراط، عظمت طلبی، قهرورسکوب و تمام کسانی که معتقد به اعمال زور برای حل مسئله فلسطین بودند بازنده محسوب می شوند و طرفداران صلح و همزیستی و مبارزه محترمانه برنده هستند. از امروز به بعد ملت فلسطین و ملت اسرائیل هر دو یک وظیفه مشترک دارند و باید با هم مبارزه مشترکی را پیش ببرند. مبارزه با افراتیون هر دو طرف، مبارزه با بنیاد گرایی یهود و بنیاد گرایی اسلامی.

ج: میزان شکست و پیروزی این قرارداد بستگی دارد به جدیت و پشتکار طرفین در به نمرسازندن آن. اکنون فقط قدم اول برداشته شده و در این راه مشکل ها خواهد افتاد. اما یک چیز انجام گرفته، و پیروز شده و برگشت نا پذیر است و آن این که با این قرارداد یک گروه بزرگ روانی بزرگ ما بین دو ملت گشوده شده است و دیگر طرفین همدیگر را دشمن خوین نمی شناسند بلکه افرادی می دانند که حقوق برابر دارند و می توانند با هم زندگی مسالمت آمیز داشته باشند. این قرارداد یک سد روانی را شکسته است و از نظر روانی پیروز شده است و پیروزی سیاسی آن با جدیت دولت و حمایت مادی و معنوی بین المللی امکان پذیر است. من به حرف درست برژنسکی در روزنامه تایم اشاره میکنم که گفت: این

هر لحاظ و از دیدگاه همه بهتر از رکود همراه با تورم است، ثانیاً این اتفاقی است که دیر یا زود باید رخ دهد و تأخیر آن جز افزایش زیان ثمری ندارد؛ ثالثاً بهر حال دولت در قانون بودجه سال ۷۲ کل کشور اجازه افزایش ۳۰ درصدی نقدینگی (۱۱ هزار میلیارد ریال) و به تبع آن همین اندازه تورم را از مجلس اخذ کرده است، و رابعاً این روش بهتر از هر راه دیگری است که به ذهن می رسد. در وهله دوم، نرخ سود و عوارض گمرکی که اکنون ایران را به صورت یگانه منطقه آزاد کشوری جهان در آورده، باید به گونه ای معقول و اساسی دگرگون شود. در این صورت، اولاً واردات کم و تراز پرداخت بازرگانی کشور مثبت می شود، و ثانیاً تولیدکنندگان بی رقت داخلی، جانی دوباره می یابند.

در وهله سوم، اخذ هرگونه اعتبار خارجی تحت هر عنوان و شرایطی باید به کلی متوقف شود. طی ماههای

قرارداد یک عقده روانی را گشود و آشتی دو ملت را امکان پذیر ساخت. تا دیروز سرود ملی فلسطین تبلیغ قهر بود "بلادی - بلادی - فتح شوره العنادی" و امروز خانم لیلا شهید نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین در فرانسه می گوید: دو ملت فلسطین و اسرائیل به همدیگر نیاز دارند، همیشه با هم زیسته اند و امروز نمی توانند بدون یکدیگر زندگی کنند!

کشور اسرائیل از روز پیدایش خود در سیاست ایران بطور مستقیم تأثیر داشته است قبل از انقلاب ایران به نفع ایران و اسرائیل بود که هر کنترل ناصریسم و ناسیونالیسم عرب با هم همکاری داشته باشند و طبیعتاً مخالفان آن روزی رژیم شاه مخالف جدی این همکاری بودند و خود را در جبهه اعراب و فلسطینی ها قرار می دادند. بعد از انقلاب همکاری مستقیم نبوده و رهبران جمهوری اسلامی وانمود کردند که خواستار تابدی اسرائیل هستند و برای این کار به سازمان دهی و تسلیح حزب الله در لبنان اقدام کردند. در حال حاضر مرکز اکثر گروه های تندروی فلسطین در سوریه قرار دارد و فردا که اسرائیل و سوریه برای حل مسئله بلندی های جولان توافق بکنند، این گروه ها مانند برف در مقابل آفتاب آب خواهند شد. سرنوشت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در لبنان و حزب الله لبنان نیز از آنها جدا نخواهد بود.

دولت ایران تا به امروز علیه قرارداد صلح فلسطین و اسرائیل اقدامی نکرده است این می تواند به دو دلیل مشخص باشد، اول اینکه طبق اطلاع اکثر مردم ایران قبلاً از این توافقنامه خوشحالند و معتقدند که تا حدی تبلیغات دروغین حکومت را خنثی خواهد کرد و دوم اینکه هشدار کشورهای صنعتی از جمله ژاپن و آلمان و نیز آمریکا به جمهوری اسلامی که علیه قرارداد اقدام نکند بی تأثیر نبوده است و سران جمهوری اسلامی پیام غربی ها را گرفته اند. مخالفت با کشور اسرائیل از بنیانهای اعتقادی حکومت جمهوری اسلامی بوده است، با حل مسئله فلسطین سران حکومت ایران نخواهند توانست خود را فلسطینی تران فلسطینی ها قلمداد بکنند و بخش وسیعی از تبلیغات آنان کارآرایی خود را از دست خواهد داد و البته اضافه باید کرد که جمهوری اسلامی در حال حاضر در کشورهای عربی شمال آفریقا میدان عمل وسیعی دارد و بویژه در الجزایر و مصر حزب الله خطر جدی برای حکومت این کشورها شده است. احتمال دارد که بعد از بسته شدن دست جمهوری اسلامی در سوریه و لبنان توجه اصلی سران جمهوری اسلامی جلب سودان و مصر شود.

توافق فلسطینی ها و اسرائیلی ها در سیاست ایزویسیون جمهوری اسلامی نیز بی تأثیر نخواهد بود بویژه در سیاست گروه های که با سازمان آزادی بخش فلسطین روابطی داشته اند. در اینجا نظر من بیشتر متوجه سازمان مجاهدین خلق است. این سازمان از روز تا سپس خود تا به حال روابط تنگاتنگی با گروه الفتح داشته است و حتی بسیاری از شعارها و اصطلاحاتی که مجاهدین بکار می بردند در واقع ترجمه شعارهای الفتح بود. الفتح در معرفی مجاهدین به بعضی از کشورهای عربی و ایجاد امکانات برای آنان در یخ نوزید و اکنون که بویژه الفتح در مذاکره با اسرائیل پیشقدم شده باید در سیاست مجاهدین نیز منتظر تغییراتی باشیم.

با آغاز حل مسئله فلسطین، مسئله کرد به عمده ترین مسئله ملی در خاور میانه تبدیل می شود. تا به امروز مسائل خاور میانه حول مسئله فلسطین طرح می شد و از حالا به بعد توجه به مسئله کرد جدی تر خواهد شد. شعار خود مختاری حساسیت بیشتری برخوردار است زیرا آشکارا می بینیم که خود مختاری برای فلسطینی ها، گام اول استقلال ملی و تشکیل دولت است. من امیدوارم که مسئله کردهای ایران نیز مانند فلسطین از طریق سیاسی حل شود.

دهم اکتبر ۱۹۹۳ ماشاء الله رزمی

اخیر، گرچه بنا به اجبار و عدم استقبال کشورهای غربی و فشار روز افزون آنان باز پرداخت اعتبارات یوزانس از دریافت آن بیشتر بوده، اما اعتبارات یاد شده به هر حال هنوز هم از هر جا که ممکن باشد اخذ می شود و ظرف ۴ ماه اخیر میلیاردها دلار اعتبار یوزانس جدید گرفته شده است. بی تردید این نقطه کور اقتصاد ایران و پنجره اعمال نفوذ بیگانگان در مقدرات ملی و داخلی را هرچه زودتر باید بست.

۴ - و نکته آخر و اساسی ترین نکته اینکه، بدون مشارکت دادن واقعی مردم در جریانات سیاسی و اقتصادی و اعطای آزادی سیاسی در سایه تعدد احزاب و برخورد آراء و افکار، امید به هرگونه اصلاحی ولو جزئی، بی ثمر خواهد بود.

هر که نامخت از گذشته روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

سال ۱۹۹۳ در حالی به پایان رسید که بی ثباتی ناشی از برهم خوردن تعادل چهل ساله حاکم بر جهان، کماکان ادامه دارد و روندی که تعادل پایدار جدیدی را در چشم انداز قرار دهد، دیده نمی شود. از این حیث، سال گذشته با سال قبل از آن، که نخستین سال پس از انحلال شوروی بود، مشابهت دارد.

چرخش های تند و پرتلاطم در اینجا و آنجا جهان، که باعث شده است اوضاع سیاسی برخی کشورها با وضعیت یکسال پیش آنها تفاوت های بنیادی داشته باشد، صحت این ارزیابی را تأیید می کند که اجزای تشکیل دهنده جهان، حکم ذراتی را دارند که تاثیر یک میدان مغناطیسی نیرومند، به یکباره از روی آنها برداشته شده باشد، ذراتی که تحت تاثیر نیروهای موضعی گاه به بدین سو و گاه به آن سو می گردند.

مراکز قدرت دستخوش تجدید آرایش

هنوز طبق سنت دهه ها ساله، از آمریکای شمالی، اروپای باختری و خاور و در به مشابه، مرکز عمده قدرت در جهان پیشرفته سرمایه داری سخن می رود. این ارزیابی تا کنون برواقیت منطبق بوده است، اما رویدادهای ۱۹۹۳ نشان داد که هر سه کانون نامبرده، تحولات تعیین کننده ای را چه در روابط درونی و چه در مناسبات بیرونی از سر می گذرانند که ممکن است آرایش قوا را در آینده نزدیک به کلی متحول کند.

چندی پیش سران کشورهای حوزه آسیا و اقیانوس آرام، به دعوت بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در این کشور گرد آمدند و نخستین اجلاس رهبران کشورهای عضو "آپک"، اتحادیه اقتصادی خود را تشکیل دادند.

هنوز زود است که بتوان از اتحاد دو کانون آمریکای شمالی و خاور و در و در علیه اروپا سخن گفت، به ویژه آنکه توافق های "آپک" از حد قول های مساعدی برای کاستن از موانع تجاری، فراتر نرفته است. اما قدر مسلم این است که ایالات متحده پی برده است بر اثر اتکای یک جانبه اش به قدرت نظامی، در میدان رقابت اقتصادی از دو حوزه اروپا و خاور و در عقب خواهد ماند. دولت کلینتون با تلاش برای گسترش همکاری اقتصادی با کشورهای آن سوی اقیانوس آرام و نیز با تشکیل "نافتا" اتحادیه اقتصادی آمریکای شمالی با شرکت ایالات متحده، کانادا و مکزیک، می کوشد برای دوران جدید رقابت های اقتصادی آماده شود. در مذاکرات برای موافقت نامه "عمومی تجاری و گمرکی (گات)" که پیش نویس آن در ماه گذشته مورد توافق اروپا و آمریکا قرار گرفت، این ایالات متحده بود که از موضع "تجارت آزاد" و برداشتن موانع گمرکی سخن می گفت و اروپا به موضع تدافعی رانده بود. هر چند عاقبت آمریکا ادامه پرداخت سوبسیدهای کشاورزی اتحادیه اروپا را پذیرفت، اما به نظر می رسد در ماه های اخیر، سیاست های اقتصادی و بازرگانی واشنگتن از تحرک و بالطبع چشم اندازهای روشن تری در قیاس با مشی اتحادیه اروپا برخوردار باشد.

این تحرک و فعالیت جدید، با ناکامی سیاست های آمریکا در برخی از نقاط جهان همراه بوده است. بعید نیست همین ناکامی ها انگیزه اصلی ابتکارات جدید کلینتون شده باشد. از جمله این ناکامی ها، می توان از کناره گیری تقریباً کامل واشنگتن از تلاش های بین المللی برای تأثیر گذاری بر بحران بالکان نام برد. ناکامی دیگر آمریکا، در سوماتالی به وقوع پیوست. دولت کلینتون مداخله در سوماتالی را از آخرین روزهای زماداری بوش به اراث برد و نخست کوشید این بار در شاخ آفریقا، با عملیات نظامی گسترده قدر قدرتی خود راه را رخ جهانیان بکشد. در سپتامبر ۱۹۹۳، به دنبال افزایش تلفات آمریکایی ها در مومگادیشو، دولت کلینتون اعلام کرد تا مارس ۱۹۹۴ نیروهای خود را از سوماتالی فرا خواهد خواند.

در سال ۱۹۹۳، ناکامی های سیاسی مختص ایالات متحده نبود. اتحادیه اروپا نیز نتوانست بحران بالکان را به حل مسالمت آمیز آن نزدیک کند و آتش جنگی خانمان سوز را در همسایگی خود خاموش سازد. برای ناکامی، باید بحران اقتصادی اروپا را افزود که در سال ۱۹۹۳ به اوج خود رسید. در آلمان، با ثبات ترین عضو این اتحادیه، رکود ادامه دارد و پیش بینی می شود در سال جاری، شمار بیکاران به چهار میلیون نفر برسد. در ایتالیا، نظام سیاسی چهل ساله زیر فشار افکار عمومی برافروخته از فساد و درهم آمیزی سیاستمداران این کشور با مافیا، فروپاشیده است. در بریتانیا، دولت لندن مجبور شده است مذاکره برای استقلال ایرلند شمالی را که ده ها سال است آن را بخشی از خاک خود می داند، بپذیرد. در فرانسه، حزب حاکم سوسیالیست در انتخابات پارلمانی ماه مارس شکست سختی را متحمل شد و قدرت را به احزاب راست گرا سپرد. فرانسه که رهبران آن، در سال ۱۹۹۲ تلاش زیادی را برای قبول لاندن قرارداد ماستریخت به مردم خود بکار بردند، در سال گذشته صحنه مقاومت افشار مختلف مردم در برابر معاهده تجاری گات و زنده شدن دوباره روحیه "دفاع از منافع ملی" در برابر قدرت های خارجی بود.

این مشکلات درونی عذیده اتحادیه اروپا، چشم انداز تحقق قرارداد ۱۹۹۲ ماستریخت را تیره تر کرده است. با اینکه مردم دانمارک که در سال ۱۹۹۲ با رأی منفی خود، آغاز گریخت عمومی درباره ماستریخت شدند، در ماه گذشته طی فرآیندومی مجدد، موافقت



خود را با این قرارداد و شرایط جدید و بهبود یافته پیوستن دانمارک به آن را اعلام کردند، اما بحران اقتصادی و مالی اعضای اتحادیه اروپا باعث شده است که کارشناسان درباره امکان برآورده شدن شرایط مالی وحدت پولی اروپا تا پایان این دهه، ابراز تردید کنند.

زاین که ده ها سال با ثبات ترین اقتصاد جهان سرمایه داری را داشت، در سال گذشته از عواقب بحران جهانی اقتصادی در امان نماند و شاهد افزایش بیکاری و کاهش نرخ رشد خود بود. برای این بحران، بحران سیاسی نیز افزوده شد که به شکست حزب لیبرال دمکرات در انتخابات تابستان گذشته انجامید. سیاستمداران این

در سال گذشته، درگیری های ملی و سایر تشنجات منطقه ای در قلمرو سابق "سوسیالیسم واقعاً موجود" ادامه یافت. شدیدترین این درگیری ها، کماکان جنگ یوگسلاوی سابق است. این جنگ از حدود دو سال پیش بر جمهوری بوسنی هرزه گوین متمرکز است و تا کنون ده ها هزار قربانی گرفته است.

طرح سایروس ونس و دیوید اوئن نمایندگان سازمان ملل و اتحادیه اروپا برای حفظ وحدت بوسنی ضمن تقسیم آن به ایالات خود مختار، که در اوایل سال ۱۹۹۳ ارائه شد، بر اثر مخالفت صرب های بوسنی به شکست انجامید. در ماه ژوئیه، میانجیان با پذیرش عملی تجزیه بوسنی، طرح جدیدی برای تقسیم این جمهوری به سه کشور مستقل ارائه کردند که تا کنون مورد بحث بوده است. قربانیان این تحول، در وهله نخست مسلمانان بوسنی اند.

سال ۱۹۹۳، با تجزیه چکسلواکی به چک و سلواکی آغاز شد. هر چند که این تجزیه، بدون خونریزی و به گونه ای متفاوت از تجزیه یوگسلاوی پیش رفت، اما عواقب منفی و به ویژه تبعات نامطلوب اقتصادی آن، دامان مردم را به ویژه در سلواکی گرفته است.

روسیه علیرغم درگیری در بحران های داخلی، در سال ۱۹۹۳ فعال تر از سال قبل در بحران های پیرامون خود دخالت کرد. با حمایت روسیه، دولت ائتلافی بنیادگرایان اسلامی و طرفداران غرب در تاجیکستان سرنگون شد. مسکو در درگیری میان آذربایجان و ارمنستان، نخست جانب ارمنستان را گرفت و وقتی ارامنه با حمایت مستقیم یا غیر مستقیم مسکو، به پیروزی های نظامی دست یافتند، تحولات سیاسی تابستان گذشته در آذربایجان به روی کار آمدن حیدر علی اف و بلاخره پیوستن آذربایجان به جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل انجامید. روسیه فشارهای مشابهی به گرجستان وارد کرد و شوارنادزه رهبر این جمهوری ناچار شد تحت فشار بیشروری نیروهای آبخاز، به جامعه مشترک المنافع بپیوندد.

جهان در سال ۱۹۹۳

ببروزی بر از اسکا ر هبر حزب کمونیست سابق لیتوانی در انتخابات ریاست جمهوری ماه فوریه، تاحدی ناشی از این باور مردم لیتوانی بود که نمی توان در همسایگی کشور قدرتمندی مانند روسیه، بدون مناسبات گسترده اقتصادی با چنین همسایه ای به حیات ادامه داد، آنهم در شرایطی که همه وعده های کمک غرب تو خالی از آب درآمده است.

اروپای شرقی کماکان در انتظار کمک غرب

در سال ۱۹۹۳ نیز امیدهای کشورهای اروپای شرقی به کمک غرب و به ویژه اتحادیه اروپا برای بازسازی اقتصاد این کشورها تحقق نیافت. تحول در اروپای شرقی از اقتصاد برنامه ای به اقتصاد بازار، باعث بروز بحران، بیکار شدن میلیون ها نفر و گسترش فقر و فلاکت شده است. ادامه این وضعیت در سال ۱۹۹۳، بوچی توهمات را که نیروهای ضد کمونیستی در جریان فروپاشی سوسیالیسم واقعاً موجود بدان دامن می زدند، نشان داد. اکنون در اغلب کشورهای سوسیالیستی سابق اروپا، نشانه هایی از فروپاشی توهمات نسبت به چشم اندازهایی که گذار سریع به اقتصاد بازار می گشاید، دیده می شود. در انتخابات ماه سپتامبر لهستان، نیروهای مدافع کندتر شدن روند خصوصی سازی اقتصاد و طرفداران توجه بیشتر به عدالت اجتماعی در این روند، اکثریت آراء و کرسی ها را کسب کردند. انتظار تحولات مشابهی در سایر کشورهای اروپای شرقی می رود. حتی در بخش شرقی آلمان علیرغم استفاده این بخش از کمک های دولت مقتدری مانند دولت بن، مشکلات عمده ناشی از تحول سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، حل نشده باقی مانده اند. در این بخش از آلمان در برابر کاهش محدودیت حزب حاکم، آرای حزب سوسیالیسم دمکراتیک (حزب حاکم سابق آلمان شرقی) و حزب سوسیال دمکرات روبه افزایش است.

قرارداد غزه - اریحا

شروع سال ۱۹۹۳ با بحران در مذاکرات صلح خاورمیانه که در مادرید آغاز شده بود، همراه بود. انتقال قدرت در آمریکا به حزب دمکرات که سنتاً پیوند های نزدیکی با اسرائیل دارد یکی از عوامل این بحران بود. دولت جرج بوش با قطع اعتبارات ایالات متحده به اسرائیل، این کشور را در آرزوی آغاز مذاکره با فلسطینی ها و همسایگان عرب کرد. اما هنگامی که دولت کلینتون روی کار آمد، گزارش هایی از کاهش فشار واشنگتن بر دولت اسرائیل منتشر شد. قدر مسلم این است که این فشارها افزایش نیافت.

اما درست در زمانی که ناظران نسبت به آینده گفتگوها، بدبین تر از همیشه بودند، فاش شد که در فاصله دودهم و یازدهم مذاکرات واشنگتن، ساف و اسرائیل طی تماس های محرمانه در نروژ در مورد انعقاد یک قرارداد خود مختاری محدود به نوار غزه و شهر اریحا در کناره غربی رود اردن، به توافق رسیدند. در ماه سپتامبر، ساف و اسرائیل متقابلاً یکدیگر را به رسمیت شناختند. اندکی بعد، پاسر عرفات و اسحاق رابین در واشنگتن قرارداد آغاز مذاکراتی را امضاء کردند.

این قرارداد از آغاز با مخالفت نیروهای دست راستی در اسرائیل از یک سو، و نیروهای رادیکال فلسطینی، شامل بنیادگرایان، سازمانهای چپ و ناسیونالیست های عرب از سوی دیگر روبرو شد. در دمشق ده سازمان فلسطینی مخالف عرفات، جبهه ای علیه قرارداد غزه اریحا تشکیل دادند. در مناطق اشغالی، حماس به اعمال قهر علیه نیروهای اسرائیلی ادامه داد. متقابلاً، از ابعاد سرکوب مردم فلسطینی توسط اسرائیل و صهیونیست های افراطی کاسته نشد. در اسرائیل، بلوک دست راستی لیکود توانست با تبلیغات علیه صلح و برآه انداختن موج ناسیونالیسم، انتخابات شهرداری هارابه سود خود تمام کند.

فشار از پشت جبهه، باعث شد که دو طرف تا کنون نتوانند پیرامون جزئیات اجرای قرارداد خود مختاری به توافق رسند و در نتیجه، مهلت تعیین شده برای آغاز عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی، رعایت نگردد. در این مورد، ابهامات خود قرارداد واشنگتن نیز که مسائلی گریه مانند سرنوشت بیت المقدس، وسعت منطقه خود مختار اریحا، طول دوره گذار را کاملاً روشن نکرده است، بی تأثیر نیست.

چه آغاز اجرای قرارداد واشنگتن تا مهلت جدید تعیین شده (ژانویه ۱۹۹۴) صورت گیرد یا نه، دولت خود مختار فلسطینی با مشکل مخالفت بنیادگرایان و سایر نیروهای رادیکال مواجه خواهد بود. هر چه اسرائیل در ادامه اشغال کرانه غربی رود اردن بیشتر یا فشاری کند، موقعیت مخالفان قرارداد در میان فلسطینی ها مستحکم تر می شود.

نقش سوریه را نیز از یاد نباید برد. سوریه از طریق حمایت از مخالفان فلسطینی قرارداد خود مختاری، قادر است موانع زیادی بر سر راه اجرای این توافق اجرا کند. اگر اسرائیل حاضر به ترک بلندی های جولان و جنوب لبنان نشود، توافق ها در مورد فلسطین نیز قابل اجرا نخواهد بود.

تغییر سیاست آمریکا در قبال منطقه خلیج فارس

از هنگام لشکر کشی صدام حسین به کویت تا سال گذشته، هدف اصلی رسمی و اعلام شده سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس، برکناری رژیم عراق بود. درست همزمان با انتقال قدرت به کلینتون نیز سرنگونی هواپیماهای جنگی عراق توسط نیروی هوایی آمریکا، نشان داد که ایالات متحده، سیاست وارد آوردن ضربات نظامی به عراق را دنبال می کند. در سازمان ملل نیز اعمال فشار آمریکا به عراق ادامه دارد و تا کنون تحریم نفتی عراق لغو نشده است.

علیرغم این تداوم مقابله با عراق، در سال ۱۹۹۳ سیاست آمریکا در قبال منطقه خلیج فارس دچار تغییر مهمی شد. در حالی که در دوره های ریاست جمهوری ریگان و بوش، آمریکا گاه عراق و گاه جمهوری اسلامی و گاه هر دو را تقویت می کرد، در سال گذشته وزارت خارجه آمریکا مشی جدیدی را فرمول بندی کرد. هسته اصلی این مشی، مقابله همزمان با دور زیم ایران و عراق و تضعیف هر دو است. نشانه های اجرای سیاست جدید عبارتند از تحت فشار گذاشتن سایر کشورهای غربی برای عدم معامله با ایران، تأکیدات مکرر مقامات آمریکایی بر نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، ملاقات مقامات عالی رتبه دولت کلینتون با نمایندگان بخشی از اپوزیسیون ایرانی و نیز دیدار خود کلینتون با سلمان رشدی و اعلام جمهوری اسلامی به عنوان مانع اصلی بر سر راه استقرار صلح در خاورمیانه. در این سیاست، اسرائیل آمریکا را همراهی می کند.

بنیادگرایی اسلامی

بی شک، انگیزه اصلی آمریکا برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی مشکلاتی است که بنیادگرایی اسلامی برای ایالات متحده و هم پیمانانش، از شمال آفریقا تا غرب آسیا، ایجاد کرده است. هر چند سیاست های ما جراجویانه جمهوری اسلامی و کمک های آن به جریانات تروریست و بنیادگرا از عواملی است که به مشی جدید آمریکا انجامیده است، اما هدف آمریکا از این مشی، بیش از آنکه مقابله با دخالت های مستقیم جمهوری اسلامی در امور کشورهای دیگر باشد، انزوای در هم شکستن الگوی بنیادگرایی است. آمریکا با سیاست خود، به جهان اسلام می فهماند که داشتن یک حکومت بنیادگرا، مساوی است با مشکلات بسیار در مناسبات اقتصادی با کشورهای صنعتی، خطر دائمی مداخله نظامی قدرت های خارجی و بطور خلاصه، انزوای روز افزون در جهان کنونی.

انقلابی سرسخت در تمامی دوره‌ها

مصاحبه جس گورنسکی - Jas Gowronski با فیدل کاسترو



بسیاری مسائل هستند از جمله کارزار انتخاباتی در طی این کارزارها، بیانه‌ها و وعده‌های بسیاری می‌دهند و متأسفانه کلینتون بیانه‌های خصمانه‌ای نسبت به کوبا داده است او با کسانی چون رابرت توریسلی Robert Torricelli - نماینده کنگره آمریکا - که در مراحل پایانی زمامداری جرج بوش قانون تشدید محاصره اقتصادی علیه کوبا را ارائه داد، به توافق رسیده است.

عوامل دیگری نیز بر روسای جمهوری آمریکا تأثیر می‌گذارند. روسای جمهوری آمریکا در طی دوره نخست ریاست جمهوری، انتخاب شدن در دوره دوم را هدف اولیه خود قلمداد می‌کنند و از هر گونه تدبیر تازه‌ای نگران هستند. به این دلیل، هیچ‌گونه مذاکره‌ای برای بهبود روابط در جریان نیست. آنچه من می‌توانم بگویم - و این عقیده شخصی من است - این است که کلینتون یک رئیس جمهور جنگ افروزیست، او مردی صلح دوست است که می‌خواهد به مردم کشورش خدمت کند. باید اعتراف کنم که صحبت کردن از کلینتون برای من بسیار دشوار است، زیرا اگر من با خشنودی از او صحبت کنم، این باعث نگرانی دوستان او می‌شود. دشمنان کوبا به هنگامی که محبوبیت کلینتون بسیار تنزل یافته بود اظهار می‌کردند که کاسترو تنها شخصی است که حاضر به دفاع از او می‌باشد.

من از کلینتون دفاع نخواهم کرد. من نه دوست او نه دشمن او هستم. تنها من می‌دانم که یک ارزیابی بی‌طرفانه از شخصیت او ارائه دهم. من به این امر که از فشارهای جناح راست محافظه کار بسیار تأثیر پذیرد، واقفم. آنچه که اکنون رخ داده است، همان است که در بدو ریاست جمهوری کندی روی داد. ولی من فکرمی‌کنم که او در مرحله تجربه اندوزی می‌باشد. کندی از شکست تجاوزه پلایا گیرون - Playa Giron (خلیج خوکها)، که نقشه آنرا به ارت برده بود، بسیار آموخت. کندی بعدها به اشتباه خود مبتنی بر ناچیز شمردن کوبا، انقلاب و عملکرد ماجراجویانه مزدوران خود پی برد. کلینتون نیز از بوش مسائلی را به ارث برده است - برای مثال سومالی. من فکرمی‌کنم که او از این تجربه آموخته است. او به شیوه متداول، با حملات و تجاوزات تازه از خود واکش نشان نداده است.

س - به نظر می‌رسد که شما منظورتان این است که برای بهبود روابط با انتخاب مجدد کلینتون باید صبر کرد.

ج - هیچ کس نمی‌تواند فردا را پیش بینی کند. در حال حاضر به نظر می‌رسد که کلینتون روی وعده‌های انتخابی و مشکلات داخلی خود را متمرکز کرده است. بعلاوه بگذارد بی‌برده بگویم ما یک کشور کوچکی هستیم، ما چنین نیستیم، و من فکر نمی‌کنم که ایالات متحده بابت کوبا دلیلی داشته باشد. آنها مشکلات دیگری دارند که این مشکلات را با اهمیت ترمی‌شمارند.

س - در خانه از شما می‌خواهم که این کنجکاوای مرا بر طرف کنید. شما چرا همیشه این انفورم چریکی را به تن دارید؟ روزهای حما سی سیرا ماسترا - Sierra Maestra مدتها است که سیری گشته است.

ج - اینها لباسهای من هستند، من همیشه آنها را به تن داشته‌ام، آنها راحت، ساده و کم خرج هستند، آنها هرگز از مد نمی‌افتند. ولی مرا بیخشنید اگر شما سئوالی می‌کنم: وقتی که شما با پاپ مصاحبه می‌کردید، آیا از سئوال کردید که چرا همیشه آن روپوش سفید را بتن دارید؟

البته، همه اینها در چهارچوب محدودی از دموکراسی صورت پذیرفت، با وجودی که در بیانیه استقلال اعلام شد که همه انسانها بوسیله آفریده‌گار خود آزاد و برابر آفریده شده‌اند و بر حسب خلقت خود واجد حقوق معینی می‌باشند، با این همه، برده‌داری به مدت قریب به صد سال پس از آن حفظ شد. این نشان می‌دهد که اعلام رسمی اصول همیشه به معنای تحقق آنها نیست...

مثال جان اف کندی را در نظر بگیریم. او کسی بود که محاصره اقتصادی علیه کوبا را آغاز کرد. در دوره زمامداری او بود که چندین توطئه ترور علیه من در جریان بود، با این وجود من هیچ‌گونه کینه‌ای از او به دل ندارم. من حاضرم از آن شخصیتی که دارای خصوصیات استثنایی بسیاری بود. من این همه را به این لحاظ می‌گویم که روشن کنم که من هرگز به خود اجازه نمی‌دهم تابع احساسات کینه‌توزانه شوم. این نه تنها در مورد من که در مورد همه مردم کوبا صدق می‌کند. ما هرگز تعصب و تند روی را در بین مردم تبلیغ نکرده‌ایم. ما همیشه در پی پرورش قوه اندیشه و منطق بوده‌ایم، در هیچ زمانی به آنها نگفته‌ایم که این اعتقاد داشته باشید بلکه "در این مورد بیدار باشید و تأمل کنید".

ما هرگز مردم آمریکا را مسئول محاصره اقتصادی و تجاوز اقتصادی به کوبا ندانسته‌ایم. اگر چه آنها تحت کنترل شدید رسانه‌های گروهی خود هستند، ما آنها را به چشم قربانیان این کنترل می‌بینیم، و هیچگاه آنها را با سخنگوی سیاستهای خصمانه ایالات متحده علیه کوبا ندانسته‌ایم. در بسیاری از مناطق آمریکای لاتین با آمریکایی‌ها به گونه‌ای خصمانه و کینه‌توزانه برخورد می‌شود، این نتیجه انزجاری است که در این مناطق احساس می‌شود. ما مردمانی آزاده هستیم که هیچ احتیاجی به تعصب، شوینیسیم و دشمنی‌یاد دیگر ملل نداریم. حزب ما و ارگانهای انقلابی ما به خود اجازه نمی‌دهند که احساسات کینه‌توزانه را تبلیغ کنند.

س - می‌بخشید اگر حرفتان را قطع می‌کنم، ولی بر گردیم به مسئله ترور: تا بحال چند بار جان سالم بدر برده‌اید؟

ج - اگر در این زمینه رشته المپیگ موجود بود، من قطعاً مدال طلا را کسب می‌کردم. مجلس سنا در واشنگتن بوجود بسیاری از این توطئه‌ها معترف است...

س - از زمانی که شما در قدرت بوده‌اید، با هشت رئیس جمهور آمریکا سروکار داشته‌اید و حال بیل کلینتون اولین رئیس جمهور جوانتر از شماست. اوضاع در حال تغییر است و شاید تغییری هم در رابطه آمریکا و کوبا بوقوع بپیوندد. آیا امکان چنین بهبودی وجود دارد؟ آیا در این زمینه تدابیری در دست است؟

ج - روسای جمهوری آمریکا اسیر

سوسیالیسم گشتند؟ و چگونه بود که آنچه هیتلر با صدها لشکر، دهها هزار جنگنده و تانک قادر به انجام آن نگشت، بدون جنگ تحقق یافت. آنچه که هیتلر توانایی انجام آن را نداشت، توسط رهبران شوروی عملی گشت. اینکه ما موران مخفی غرب در این میان چه نقشی ایفا کردند را تاریخ روزی آشکار خواهد ساخت.

س - ولی امروز، عواقب ناشی از این تغییرات برای کوبا چیست؟

ج - نابودی بلوک سوسیالیستی ضربه مهلکی برای ما بود. در مقابل محاصره اقتصادی ایالات متحده، ما توانسته بودیم از تجارت با کشورهای سوسیالیستی که پشتوانه‌ای برای اقتصاد ما بودند، بهره‌مند شویم.

امروز، محاصره اقتصادی پابرجاست ولی حمایت خاتمه یافته است، و ما به سوی یکسای از دشوارترین آزمون‌های تاریخ معاصر سوق داده می‌شویم. لیکن، در تصمیم مامینی بر پیش روی بسوی اهداف خود تردیدی خطور نکرده است. گرچه اتحاد شوروی فرو پاشیده است، این باعث دلسردی و تسلیم مان نگشته است، ما به مبارزه خود در مسیر انقلابی خود ادامه می‌دهیم، ما با ایمان کامل به آینده، با این آزمون دشوار مواجه می‌شویم.

در حالی که اتحاد شوروی خود کمربند نابودی خود بست، چین و ویتنام خود را نابود نکرده‌اند. درباره شکست سوسیالیسم در اتحاد شوروی بسیار صحبت می‌شود، ولی چرا از سوسیالیسم در چین هیچ

کوبا در اول ژانویه سالگرد انقلاب خود را جشن گرفت. این کشور از معدود کشورهایی است که پس از فروپاشی بلوک شرق همچنان خود را کشوری انقلابی و معتقد به سوسیالیسم می‌داند. فیدل کاسترو رهبر کوبا اخیراً در یک مصاحبه با روزنامه ایتالیایی "لا اس تامپا" مواضع رهبری کوبا را تشریح کرد. متن این مصاحبه را در زیر می‌خوانید.

س - کوماندا نته، در کوبا هنوز صحبت از "انقلاب" و "سوسیالیسم" است. گویی که هیچ‌گونه تغییری در دنیای خارج بوقوع نپیوسته است. آیا این واژه‌ها برای شما هنوز همان مفاهیم ۳۵ سال پیش، به آن هنگام که سفر دراز و پرحادثه خود را آغاز کردید، را دارند؟

ج - خیر، آنها به دو دلیل نمی‌توانند همان مفاهیم را داشته باشند. در وهله اول، برنامه ما در آن هنگام برنامه‌ای بلند پروازانه بود که اکنون بخش اعظم آن تحقق یافته است، و در وهله دوم، اوضاع بین المللی بشکل فاطعانه‌ای تغییر کرده است. در هر حال ما به ایده‌آلها و اهداف اجتماعی و سیاسی خود پایبندیم.

ولی حاصل چه بوده است؟ امروز، جهانی برای ما بجا مانده است، که تحت هژمونی ایالات متحده می‌باشد، و بخش عظیمی از این جهان از عواقب آن رنج می‌برند.

س - ولی این چگونه امکان پذیر گشت؟ آیا شما بر آنید که باید میخایل گورباچف را سرزنش کرد؟

ج - خیر. گورباچف از سوسیالیسم، در مورد سوسیالیستی‌تر کردن سوسیالیسم صحبت می‌کرد - در مورد ارتقاء سوسیالیسم - او هرگز از نابودی سوسیالیسم سخن نگفت. پس باید از خود سئوال کرد که چه عواملی باعث نابودی

از:

* تصویب قانون اساسی موقت آفریقای جنوبی که گذار به دموکراسی را امکان پذیر می‌کند. نلسون ماندلا و فردریک دکلرک بخاطر تلاش‌های صلح خود، جایزه نوبل گرفتند و روند دمکراتیزاسیون آفریقای جنوبی علیرغم خونریزی و حوادث شومی مانند قتل جنایت کارانه کریس هافی رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی در ماه مارس، ادامه یافت.

* تروی کار آمدن دوباره بی نظیر بوت در پاکستان که به دنبال بروز بحران قدرت بین غلام اسحاق خان و نواز شریف رئیس جمهور و نخست وزیر پیشین این کشور صورت گرفت. بوتومی گوشد برانزوای بین المللی پاکستان که ناشی از برنامه هسته‌ای آن است، غلبه کند.

* موج خشونت در هند که عامل اصلی آن راهندوهای افراطی تشکیل می‌دهند. افراطیون هند و در انتخابات ایالتی اخیر هند شکست خوردند.

* انتخابات کامبوج که به پیروزی طرفداران نوردوم سیمانوک رهبر سابق و فعلی این کشور انجامید. با این حال، وجود عاملی غیر قابل پیش بینی مانند خمرهای سرخ، آینده کامبوج را در ابهام فرو برده است.

* تشکیل کنفرانس حقوق بشر در ماه ژوئن در وین که نتوانست انتظار افکار عمومی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر را برآورده کند. در این کنفرانس، رژیم‌های سرکوب گر هر گونه دخالت خارجی در امور خود را رد کردند.

* ادامه خشونت دو جانبه در الجزایر و عدم حل بحران سیاسی این کشور. در جریان حملات تروریستی بنیاد گرایان و عملیات سرکوب گرانه رژیم حاکم، صدها نفر کشته شده‌اند.

سالی جدید فرارسیده است، با امیدهایی تازه برای تحقق صلح و دموکراسی در جهان، و پانگوانی آزادانه روندهای منفی سال‌های اخیر. آتش کانون‌های منطقه‌ای بحران در گوشه و کنار جهان، از بشریت فرصت برداختن به حل معضلاتی که آینده آن را به خطرات افکنده است را فعلاً گرفته است. معضلاتی مانند انفجار جمعیت، تخریب محیط زیست، تقسیم نابرابر امکانات کره زمین میان ساکنان آن و محرومیت میلیاردها انسان از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی، به قوت خود باقی است و تشدید می‌شود. آیا بشریت در سال ۱۹۹۴ اندکی بر دوراندیشی خود خواهد افزود؟

جهان در سال ۱۹۹۳

فاجعه افغانستان ادامه دارد

در عین حال، نباید از یاد برد آمریکا که اینک برچم مقابل با بنیاد گرای اسلامی را برافراشته است، خود از مشوقان ویاری دهندگان این جریان مخرب در مقابل با کمونیسم بود. ایالات متحده در طول سیزده سال جنگ داخلی افغانستان، مدرن ترین سلاح‌ها را در اختیار شورشیان بنیاد گرا گذاشت. در سال ۱۹۹۲ نیز علیرغم گذشت یک سال از برکناری رژیم نجیب در کابل، جنگ خونین میان دستجات تاندان مسلح مجاهدان افغانی ادامه یافت. تلاش‌هایی مانند تشکیل شورای حل و عقد و توافق ماه مارس گذشته برای تقسیم قدرت میان جناح احمد شاه مسعود و حزب اسلامی حکمت یار، نتوانسته است به برادر کشی در افغانستان خاتمه دهد. در این جنگ، بی‌شک همسایگان افغانستان، بویژه پاکستان و جمهوری اسلامی، بی‌تقصیر نیستند.

تشدید جنگ در کردستان ترکیه

سال ۱۹۹۳ که با نشانه‌های امیدبخشی مانند اعلام آتش بس یک جانبه در جنگ کردستان ترکیه از جانب حزب کارگران کردستان (پ. کا. کا.) آغاز شد، در ادامه خود شاهد تشدید سرکوب کردها توسط ارتش ترکیه بود. تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه در آوریل ۱۹۹۳ درگذشت و جای او را سلیمان دمیرل گرفت. نخست وزیر جدید، خانم تنسورچیللر، اعلام کرده است که به سیاست "مشث آهتین" در قبال پ. کا. کا. ادامه می‌دهد. در این زمینه، ترکیه موفقیت‌هایی نیز کسب کرده است که بنیاد گرایان اخیراً سوریه، از آن جمله است. اما علیرغم این موفقیت‌ها، این امر غیر قابل تردید است که سرکوب خشن کردها توسط ترکیه، برای این کشور سرانجام خوشی نخواهد داشت.

نگاهی گذرا به سایر تحولات ۱۹۹۳

تحولات مهم دیگر جهان در سال ۱۹۹۳ عبارت بودند

در سکوت و بی تفاوتی جامعه جهانی

افغانستان در آتش و خون روبه نیستی می رود

جنگ های خونین در کردستان عراق

هر آنچه که طرف پانزده سال گذشته در کابل آتش توپ و تانک و موشک در امان مانده بود، با جنگ سخت و بی وقفه ای که از روز اول سال میلادی جاری در کابل جریان دارد روبه فنا و نیستی است. با سقوط دولت دکتر نجیب اله در کابل در دو سال پیش و ورود مجاهدین به کابل، آنچه را که برخی از ناظران سیاسی برای آینده افغانستان پیش بینی می کردند به وقوع پیوست و دستجات و باندهای مختلف مجاهدین بر سر تصاحب سهم بیشتری از قدرت، جنگ ویرانگر و خانمانسوزی راه مردم افغانستان و کابل تحمیل نمودند. کشورهای غربی که فارغ از مصالح افغانستان سرانجام مجاهدین را به کابل رساندند، اینک بخاطر فروپاشی اتحاد شوروی و بی اهمیت شدن افغانستان در معادلات ژئوپلیتیک و نیز بخاطر فقدان منابع و ذخایر ارزشمند در این کشور، آن را به حال خود رها کرده و کشورهای منطقه نیز با دخالت های خود غرضانه خود و جانبداری از این یا آن دسته مجاهدین برقراری صلح و آرامش در افغانستان و دسترسی به تفاهمی همه گیر با یاد شوری و موانع مواجه ساخته اند.

ماهیهای اخیر همراه با برقراری یک آرامش نسبی در اطراف کابل، تلاش های میانجی گرانه ای در جریان بود تا توافق قبلی میان برهان الدین ربانی رئیس جمهور از یکسو و گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی از سوی دیگر به اجرا درآید و با تصدی عملی پست نخست وزیری توسط حکمتیار، طی یک دوره مشخص زمینه برای برگزاری انتخابات مجلس و گزینش مجلس فراهم آید. اما با بروز برخی اختلافات و نیز کشیده شدن یکی از نمایندگان حکومت یار در هیئت میانجی، نیروهای حزب اسلامی در هماهنگی با دوستم از سه جانب به کابل حمله ور شدند.

سه نکته متفاوت در جنگ اخیر یکی همدستی و ائتلاف میان حکمتیار و ژنرال دوستم، دیگری کشیده شدن جنگ به شمال افغانستان و سوم شدت بی سابقه حملات است.

ژنرال رشید دوستم با نیروی شبه نظامی تحت کنترل خود یکی از پایه های نظامی حکومت پیشین

در همین حال با پاره ای تحولات در پاکستان و کاهش حمایت این کشور از حکمتیار و نیز عدم حمایت دولت از دوستم در برابر حملات حزب اتحاد اسلامی سیاف و تلاش تاجیک ها در شمال برای محدود ساختن قدرت وی، حکمتیار و دوستم را برای مقابله با ربانی و تصاحب کامل قدرت در کابل به هم نزدیک نمود.

حضور بخشی از نیروهای دوستم در شمال و تلاش آنها برای حمایت از نیروهای کابل، سبب شده که نیروهای وفادار به ربانی به مزار شریف حمله ور شده و در صد قطع ارتباط نیروهای دوستم برآیند. از این رو منطقه شمال افغانستان که طرف ۱۵ سال اخیر از صدمات و ویرانیهای جنگ نسبتا در امان مانده بود، اینک دستخوش نزاعهای خونین گردیده و ویرانی و آوارگی مردم آنجا را تهدید می کند.

تاکنون، با بودن دوستم در جبهه ربانی کل نیروی هوایی تحت کنترل دولت قرار داشت، اما دوستم و دولت اینک بخشی از نیروی هوایی را که در اختیار خود دارند، علیه یکدیگر به کار گرفته و به پرتاب بمب و موشک بر سر کابل مشغولند. اینک دیگر کمتر ساختمان سالمی را در این شهر جنگ زده می توان مشاهده نمود. به رغم شمار کثیر کشته ها و مجروحین، شدت و تداوم جنگ فعالیت نیروهای امداد گر را محدود ساخته و بیمارستانها از زخمی ها و

آسیب دیدگان انباشته شده اند. روز جمعه ۷ ژانویه دو طرف بر سر یک آتش بس یک روزه توافق کردند تا کشته ها جمع آوری شده و به مجروحین رسیدگی شود.

دوستم و حکمتیار اعلام کرده اند تا استعفای رئیس جمهور و تشکیل یک شورای رهبری جنگ را ادامه خواهند داد. سخنگوی دولت نیز از ادامه جنگ تا نابودی نیروهای دوستم و حکمتیار سخن گفته است.

تجربه دوساله افغانستان نشان داده است که بحران سیاسی این کشور و جنگ قدرت خونبار میان گروه های مختلف جز با دخالت فعال سازمانها و مجامع بین المللی قابل حل و فصل نیست. بحران افغانستان محصول دخالت خود غرضانه قدرتهای بزرگ و منطقه در این کشور است. دستجات مجاهدین که بر اثر حمایت این قدرتها سرنوشته افغانستان را به دست گرفته اند، نشان دادند که قادر به اتخاذ یک سیاست مسئولانه برای رهایی این کشور از جنگ داخلی نیستند و این کشور همسایه ما را به گرداب نیستی می کشانند. وظیفه سازمان ملل و جامعه جهانی است که در جهت پایان دادن به فاجعه انسانی ناشی از جنگ قدرت و درگیریهای داخلی در این کشور سیاست فعال و موثری را در پیش گیرند.

بدنبال حدت تدریجی اختلاف میان اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی و حزب حرکت اسلامی به رهبری شیخ عثمان عبدالعزیز برزنجی سرانجام در آخرین روزهای سال ۹۳ خونین ترین درگیری های داخلی در کردستان عراق صدها کشته و زخمی برجای گذاشت.

زمینه ها

زمینه اصلی اختلافات بین این دو حزب به نحوه تشکیل حکومت خود مختار در کردستان عراق و اداره آن بازمی گردد. مطابق توافق دو حزب عمده کردستان - یعنی حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی مقرر شده است که احزابی که کمتر از ۷ درصد آرا را در انتخابات بدست می آورند از داشتن نماینده در پارلمان محروم شوند و حرکت اسلامی با ۱/۵ درصد آرا در اثر این تصمیم از پارلمان حذف شده و در دولت خود مختار قانونا سهمی بدست نیاورده است. این حزب به اعمال فشار برای تغییر اوضاع دست زده اما کوشش هایش به نتیجه ای منجر نگردیده است.

علاوه بر این حرکت اسلامی با حمایت مالی جمهوری اسلامی وسیعا به استخدام پیشمرگه دست زد و مقرهای خود را در بسیاری مناطق مستقر کرده است. (اسناد بدست آمده از پایگاه های حرکت اسلامی نشان می دهند که این حزب ماهانه ۲ میلیون دلار از ایران کمک دریافت می کرده است.) اتحادیه میهنی خواستار آن بوده است که این حزب اسلحه های سنگین خود را به دولت تحویل دهد و صرفا به فعالیت سیاسی بپردازد. اما این خواسته همواره با مقاومت حرکت اسلامی مواجه بوده است.

جنگ وادعاها

به گفته شاهدان عینی، درگیری پس از آن آغاز شد که پیشمرگه های حرکت اسلامی در شهر حلبچه - که مرکز حرکت اسلامی است - دو پیشمرگه اتحادیه میهنی را به جرم مشروب خواری اعدام کرده و جسد آنان را در خیابانهای شهر کشیده اند.

اتحادیه میهنی فوراً واکنش نشان داده و با آسادگی حدود ۸۰۰۰ پیشمرگه ای خود را علیه کلیه پایگاههای حرکت اسلامی وارد جنگ کرد. شدیدترین جنگ ها در سلیمانیه و اربیل (پایتخت حکومت خود مختار) و نیز در قلعه دیزه، رمیان، صلاح الدین، حریر، حاجی آباد و سنگسرخ داده است.

جنگ دهشتناک توپخانه و تانک تا چند روز در سلیمانیه ادامه داشته است. در تمام این جنگ ها حرکت اسلامی پس از تحمل تلفات سنگینی به عقب نشینی و تسلیم سلاح های خود وادار گردیده است. اتحادیه میهنی تعداد کشته های خود را ۸۰ نفر اعلام کرده ولی درباره تلفات طرف مقابل که حدود ۱۰۰۰ نفر حدس زده

شده اند - سکوت کرده است. سخنگوی حرکت اسلامی عراق در گفتگویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی گناه جنگ را به گردن طرف مقابل انداخت. او ادعا کرد که درگیری های اخیر در منطقه بوسیله ی نیروهای غرب طراحی شده و بوسیله جلال طالبانی به اجرا در می آید. سخنگوی حرکت اسلامی اظهار داشت که اختلاف بین دو حزب ریشه در مقاومت نیروهای حرکت اسلامی بر ضد فساد دارد که بوسیله نیروهای غربی به اصطلاح انسان دوست در شمال عراق دامن زده می شود. او گفت که غربی ها و بیروس ایذرا در کردستان پخش می کنند و توسط بعضی از سازمانهای خیریه پخش مواد مخدر صورت می پذیرد.

به گزارش خیرگزاری های غربی حرکت اسلامی تمام سلاح های سنگین خود و کربا بگانهای خود در نوار مرزی با ایران (بجز حلبچه) را از دست داده و رهبر ۸۹ ساله آن، ملا عثمان عبدالعزیز برزنجی نیز به اسارت نیروهای اتحادیه میهنی در آمده است. اما خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تأیید شکست های حرکت اسلامی درباره سرنوشته شیخ عثمان به نقل از منابع موثق حرکت اسلامی اعلام کرده است که نیروهای بارزانی موفق شده اند وی را به سلامت از صحنه نبرد خارج کرده و به پایگاه خود در صلاح الدین منتقل کنند. این منبع گفته است طالبانی خواهان تحویل شیخ عثمان است. اما مسعود بارزانی ضمن امتناع از این کار خواهان میانجیگری شده است. (بارزانی ها همواره مناسبات گسترده ای با ایران داشته اند.) روزنامه های ایران بشدت و آشکارا از حرکت اسلامی دفاع می کنند، نقش بارزانی را مثبت می بینند و اتحادیه میهنی را مورد سخت ترین حملات قرار می دهند. ضمنا آنها عموما با اشاره به روابط گرم اتحادیه میهنی با واشنگتن ادعا می کنند که وی اخیرا موافقت کرده است که آمریکا برای خود در کردستان پایگاه نظامی ایجاد کند.

اما گذشته از این شایعات و حقایق، آنچه از همه دردناک تر است اینست که مردم کردستان عراق، نه امروز که از سرکوب صدام رهایی یافته اند و نه دیروز که حقوق ملی خویش را از سرکوب گران طلب می کردند هنوز فرصت آرامش نیافته اند. جنگ و ویرانی باز هم بیداد می کند و در این زمستان سخت مشکلات حاد و مرگبار اقتصادی - که ناشی از محاصره عراق و نیز واکنش صدام و بوجی و عده کمک غرب است - عملا گذران زندگی عادی روزمره را بر این مردم مصیبت زده ای کرد حرام کرده است، مردمی که بیش از ۷۰ سال برای هویت ملی خود جنگیده اند و امروز که یک گام به آرمان خویش نزدیک شده اند، خود را در محاصره مرگبار توطئه های دولت های خصم و درگیر درگیری های دردناک درونی یافته اند.



ژنرال دوستم و تانک هایش

قیام سرخپوستان در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت مکزیک

دیکتاتور مکزیک را برانداخت. خانواده دیازان به قیمت محرومیت اکثریت اهالی ۸۵ درصد زمین های کشاورزی را به تصرف خود درآورده بود.

روابط و مناسبات ایالت شیاپاس امروز نیز چندان فرقی با گذشته نکرده است. اکثریت اهالی که از سرخپوستان تشکیل شده، کارگر کشاورزی هستند و زندگی فقیرانه ای دارند. ۳۰ درصد مردم بیسواد هستند و نیمی از خانه ها از آب آشامیدنی محرومند. برخی سیاستهای اصلاحی که حزب حاکم در طول ۶۴ سال حکومت خود به کار گرفته نیز چندان تغییری در این اوضاع نداده.

"جنگی را که ما آغاز کرده ایم، آخرین، ولی برحق ترین اقدام است." گروهی از سرخپوستان مکزیک ۱۰ دی (اول ژانویه) با این شعار تعدادی از شهرها و شهرکهای ایالت شیاپاس را به اشغال خود در آوردند. آنها که خود را ارتش آزاد بخش ملی زاپاتا می نامند، مردم مکزیک را به مبارزه مشترک در راه "کار، زمین، مسکن، غذا و تائمین امکانات بهداشتی، آموزشی و عمومی، استقلال، دمکراسی و عدالت" فراخوانده اند. زاپاتا قهرمان ملی و رهبر دهقانان مکزیک در ابتدای قرن جاری در مبارزه مشترکی با پانچویلا (یکی دیگر از رهبران انقلابی) حکومت دیازان،

وضعیت نامساعد اقتصادی در جنوب مکزیک با ورود شمار زیادی از آوارگان جنگ داخلی گواتمالا به وخامت بیشتری گراییده است. به لحاظ سیاسی، سیاست ها و برخوردهای سخت و غیر انسانی وزیر کشاورزی ایالت شیاپاس نیز زمینه های مساعدی برای نارضایتی مردم و تشنج اوضاع فراهم آورده است. در برخورد با شورشیان، دولت در حالی که از آمادگی برای مذاکره سخن می گوید، در عمل دست ارتش را برای سرکوب کامل سرخپوستان باز گذاشته است. خیرها و تصاویری که از درگیری های می رسند حاکی از برخورد سخت و تالانگرانه ارتش با شورشیان و اهالی عادی منطقه است. شدت سرکوب کلیسای مکزیک را نیز به اعتراض واداشت و اسقف این کشور دولت را به شدت مورد حمله قرار داد.

اینک نزدیکترین زمینها در اختیار سرخپوستان است، قیمت محصولات آنها همچون قهوه روز بروز کاهش می یابد و تهاجمات نژاد پرستانه "سفیدپوستان" علیه آنها پیوسته در حال افزایش است. علاوه بر اینها "قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی" (فتا) نیز بیش از همه به ضرر کشاورزان فقیر سرخپوست تمام خواهد شد. بی سبب نیست که آنها شورش خود را در روزبه اجرا درآوردن قرارداد آغاز کرده اند. بر اساس برآورد کارشناسان با اجرای قرارداد نفتا و سرازیر شدن ذرت ارزان آمریکا به مکزیک، ۲/۵ میلیون ذرت کار مکزیک کار خود را از دست خواهند